

وابستگی، سدر اه حل بحران کردستان این برادر کشتی را چه کسی بر اه انداخت؟

ارتجاعی توطئه‌ای پدید آمد که
تردید و تزلزل و سهل‌انگاری‌های
بقیه در صفحه چهارم

سیاسی که بنیادهای فکری
ناسازگاری با انقلاب اسلامی
ملت ایران داشتند و نیروهای

در نخستین ماههای پیروزی
انقلاب، از ترکیب یک زمینه‌ی
اجتماعی مناسب با سازمان‌های

دانشگاه
سنگر تسخیر
ناپذیر
پیکارهای
میهنی
در صفحه دوم

چشم طمع امپریالیستها به جزیره ایرانی خلیج فارس

خدا شه ناپذیری حق حاکمیت ملی

سر نوشت انتخابات چه

خواهد شد؟! بازی برای مردم بازی با آتش است

ناشناخته بود، موج اعتراض بالا
گرفت و بخصوص بایگیری که از
تمام نقاط کشور برای رسوائی
بقیه در صفحه ششم

پس از آنهمه افتضاح و رسوائی
و باز شدن مشت دست اندر کاران
انتخابات و آگاهی مردم از
عملکرد آنان سرانجام نتیجه دوره
اول انتخابات بایکدنیا شرمندگی
اعلام گردید و نام عده‌ای بنام
نماینده باطلاع مردم رسید که
بیشتر آنان دارای هیچگونه پایگاه
اجتماعی و سیاسی و حتی
مذهبی در بین مردم نبودند و
اسامی بسیاری از آنها برای مردم

خلیج فارس از لحاظ زمین‌شناسی
دنباله فلات ایران و جلگه‌های
جنوبی آن است. در اطراف و
داخل خلیج در اثر دگرگونیهای
طبیعی بلندیهائی موجود آمده
که بصورت تپه و کوه نمایان
می‌باشد بیش از یکصدوسی
جزیره موجود در خلیج فارس را
در همین رابطه دانستند. این
بقیه در صفحه هفتم

اعلامیه دبیر خانه حزب ملت ایران

روزنامه کیهان

پنجاه لیرات

توزیر پرستش متینک ولز تو یاری میجویم.

از تجاوز نظامی امریکا بسادگی نباید گذشت

هم میهنان

امپریالیسم امریکا بار دیگر به میهن ما تاخت و واحدهای
جنگی خود را از مرزها گذراند و بر زمین ایران فرود آورد.
عمل ارتكابی یک تجاوز نظامی می‌باشد و با همه‌ی
میزانها و قانونهای بین‌المللی که امریکا همواره از لزوم
احترام به آنها دم میزند، تعارض آشکار دارد.
امپریالیسم امریکا با پیش گرفتن این شیوه‌ی خاص
تجاوز حتی ظاهر سازیهای گذشته را به کنار گذارده و به
زمره‌ی دستگاههای راهزنی سازمان یافته در آمده است.
امپریالیسم امریکا به اقتضای ساخت بنیادی خود
نمی‌تواند هرگز از تجاوز به ملتها دست کشد و برای رفع
همه‌ی دشواریهای درونی و بیرونی که دارد، ناگزیر از
توسل به زور است.

اساس دیپلماسی امریکا بر سلطه‌گری استوار می‌باشد و
نظام حکومتی آن از فراهم آوردن روابط برابر و احترام‌آمیز
با سایر کشورها ناتوان است.

امریکای جهانخوار برای بقای خود نیاز به تاراج منابع
طبیعی و بهره‌کشی از نیروی انسانی دیگر ملتها دارد و
هر گونه ناکامی در این زمینه، آنرا به خشم و سپس خشونت
می‌کشاند.

خود کامگی و توطئه‌ی امریکا را در روابط بین‌المللی
تنها با قدرت و پایداری می‌توان پاسخ داد.

خوب پیدا بود که انقلاب اسلامی ملت ایران و
بدور ماندن آن از هر سازشگری، چنان ضربه هولناکی بر
پیکر امپریالیسم امریکاست که بسادگی تحمل نخواهد کرد
و بهمین دلیل امام خمینی بارها هشدار داد که باید آمادگی
در هم‌شکستن هر توطئه‌ای بود.

تازه‌ترین تجاوز دشمن بگونه‌ای اعجاز‌آمیز با شکست
روبرو شد ولی نباید به آسانی از آن گذشت.

گسترده‌ی این تجاوز نشان می‌دهد که بدون آگاهی‌ها
و یاری‌هایی از درون کشور نمی‌توانسته است انجام گیرد و
بی‌شک دشمن همدستانی داشته که بطور طبیعی هنوز هم
دارد و باید با بررسی دقیق شناخته شوند.

شیوه‌ی این تجاوز نشان میدهد که بعضی از کشورهای
همسایه دوست‌نما، در حقیقت، مددکار دشمن بوده‌اند و باید
در یک جستجوی همه‌جانبه، حساب دوستی‌ها و دشمنی‌ها
بقیه در صفحه چهارم

نقش تعیین کننده انقلاب ایران در آینده ژاپن

در صفحه ششم

در سایر صفحه‌ها

یک واحد مسکونی
برای هر خانواده ایرانی

نارسانسی نظام
شورائی در کارهای
اجرائی

اخبار حزبی

از اخبار هفته

نامه‌های رسیده



آمدی گروگان ببری؟
نه، تازه گروهان آورده‌ام

گرامی باد دهم اردیبهشت

دهم اردیبهشت برابر
با آغاز زمامداری دکتر مصدق،
بنیانگذار حکومت ملی
در ایران است.
بسانگاهی گذرابگونه‌ی
گرامیداشت این روز بزرگ
و ضروری بر مبارزات پی‌گیر
و سرنوشت ساز پیشوای
در گذشته بهضت ملی،
پیوندهای اندیشه‌ای و کرداری
او را با جامعه‌ی ایران آشکار
می‌سازیم.

روز آغاز زمامداری مصدق

در صفحه دوم

استوار باد همبستگی همه نیروهای انقلابی ملت ایران

گرامی باد دهم اردیبهشت

در یکصد و پنجاه سال گذشته نفوذ وسیطه امپریالیستهای تازه به دوران رسیده در میهن ماتابدانجاگسترش یافت که از شمال و جنوب به ویرانسازی جامعهی ماوینیانهای فرهنگی آن مبادرت کردند.

مصدق که استعمار و بیماریهای ناشی از آنرا بیخوبی می شناخت تلاش سیاسی خود را بر مبنای استقلال کامل و قطع هر نوع وابستگی، بی امان دنبال کرد. قیام مصدق به منظور مبارزه با استبداد شاه و استقرار آزادی و پیکار با کمپانی نفت انگلیس که بر خوردار از حمایت کامل و آشکار امپریالیسم انگلیس بود، در محیطی پراز بحران و آغشته به خفقان و در خلائی تاریک و ظلمانی، سرگ درخشانی در تاریخ مبارزات میهن است.

قیام مصدق در آن شرایط حساس که سر نوشت ملت به مویی بسته بود، خلاصه موجود را بر کرده و دستخیز ملت ایران را در جهت آزادی انتخابات و مبارزه با استعمار هدایت نمود عظمت یک جهاد ملی و تاریخی بنیان نهاد و قانون ملی شدن صنعت نفت را بر غم توپخانه های هیات حاکمه ای وابسته که در راس آن دربار پهلوی قرار داشت، اجرا نمود. مصدق که بگونه ای نماینده واقعی مردم به مجلس راه یافته و پرچمدار بزرگترین مبارزه ضد استعماری جهان گردید، برای نخستین بار پس از سالیان دراز اسارت، تجلی اراده ملی، در تعیین سر نوشت میهن شد و از خانه ملت به گرسی زمامداری نشست و بدینسان سرانجام ملت ایران با پایداری و ایمان به حقوق انسانی و آزادی در صحنه اداره کشور به قدرت رسید و حکومت را «ملی» ساخت. هر چند کودتای ۲۸ مرداد که باید آنرا ائتلاف بزرگ استعمارگران علیه ملت ایران نامید، بخش عمده ای از مساجدتها و پیروزیهای مبارز با پادداد و باز گشت سلطنت با فاجعه و مصیبتی در دناک توأم گردید، فاجعه ای شکست و قدرت ویران ساز دستگاه استبداد وابسته به استعمار که از نبض و انتقام و نفرت لبریز بود امکان نیافت شرافت، خلوص و تقوای اورا لکمدار و تعقیب و یاتایر آنرا معو نماید.

قیام مصدق علیه استعمار و استبداد نشانه ضرورت جامعهی ایران بود از طش ملت زمان حادث گردید و با عروق و اعصاب عصر پیوند یافت و بر دل و جان فرد فرد مردم ایران نفوذ کرد و از روح آنها تغذیه و سیراب شد و همه ای این مسائل برای شاه تگبون بخت یک جهنم روانی ایجاد کرد که زنده زنده در مهیب حسد و عقده سوخت. ۲۵ سال بر این نام گرامی و راه درخشان و غرور آفرینش با تمام وسایل تبلیغاتی گرد تهمت و خاسکتز حقارت و توهمین پاشیدند حقایق را دگرگون جلوه گر ساختند ولی در تمامی آن سالهای سیاه اختناق و مرگ، دیواری نمناک سلولها پیام مبارزان را صلاسی داد و استمرار پیکار، آیندهی روشن را نوید و امروز به یمن تمامی آن سالهای پر شکوه مقاومت در ایران از بندرسته و به استقلال رسیده یا نخستین روز زمامداری مصدق، پایه گذار حکومت ملی را گرامی داریم.

دانشگاه سنگر تسخیر ناپذیر پیکارهای میهنی

دگرگونی نظام آموزشی عالی خواست همگانی است

انقلاب فرهنگی باید در رابطه مستقیم با تمام مسائل جامعه بوجود آید میتوان گفت انقلاب فرهنگی جدا از کل جامعه و چیزی ساخته و پرداخته در ذهن و مغزهای عده ای نمیتواند باشد

دانشگاه در تمام دوران اختناق پایگاه زنان و مردان پیکارگر ایران بود که علیه «نظام سلطنتی» وابسته به پیگانه مبارزه برخاسته بودند. جوانان ایران در آغوش دانشگاهها راه نبرد با دشمن و گماشتگانش را بخوبی آموختند و در تمام آن سالهای سیاه به امید نجات ایران در زیر سختترین فشارها تسلیم دژ خیمان نگردیدند و تا روز پیروزی و ایستادگی و کوشش کردند.

همه خوب بخاطر دارند که در روزهای به ثمر رسیدن انقلاب، دانشگاه بزرگترین سنگر نبرد و جایگاه تجمع و ارتباط کلیه نیروهای ضد استعماری و استبدادی بود. پس از پیروزی نیز دانشگاه تبدیل به سنگر پاسداری از دست آوردهای انقلاب شد. سنگری که حفظ استقلال و آزادی در ایران رهائی یافته را بعهده داشت و هیچکس را یاری انکار آن نیست و نگه داشت حرمت چنین سنگری وظیفه همه کار بدستانی میباشد که به راستی به جدول ارزشهای انقلاب اسلامی ملت ایرانند. بدون تردید انقلاب فرهنگی که دگرگونی آموزشی جزئی از آن میباشد ضرورت اجتناب ناپذیر جامعه انقلابی ما بشمار میرود. انقلاب فرهنگی یعنی دگرگون کردن ارزشها و معیارهای کهنه و روابط غیر انسانی حاکم بر جامعه و معیارها و ارزشها و روابط انسانی را جانشین آن کردن و طبیعی است که انقلاب فرهنگی زمانی بارور خواهد شد که نهادهای مختلف جامعه از بن تغییر یابد.

گروههای خاصی اظهار میدارند «حال که تصمیم به تغییر نظام آموزشی گرفته شده با تعیین هر برنامه و طرح باین نتیجه میرسیم که دانشگاهها باید تعطیل شود!!» در صورتیکه تعطیل مرکزهای آموزش عالی بدون تردید دوران سازندگی انقلاب را با خطرها و نارسائیهای جدی روبرو میسازد. این اعتقاد درستی است که دانشگاه آئینه تمام نمای جامعه می باشد و تمام نیروهای نهفته ملت در این مکان مقدس تجلی مییابد.

دگرگونی آموزش عالی نیاز به دانش و بینش واقعی داشته و فقط کسانی قادر هستند آنرا برنامه ریزی و بمرحله اجرا در آورند که نیازهای ملت ایران را بدرستی درک و احساس و شناخته باشند.

در برنامه ریزی دگرگونی نظام آموزش عالی کلیه صاحب نظران، اندیشمندان، دانشجویان و استادان و پژوهشگران که به ایران و به انقلاب اسلامی ملت ایران پای بند هستند باید صمیمانه به همکاری خوانده شوند و رسانه های گروهی بزرگترین نقش را در نظر خواهی بعهده داشته باشند و برنامه ای باید تهیه و پیاده گردد که از فرهنگ بنیادمند ایرانی ریشه گرفته و نیاز جامعه ایران را پاسخگو باشد البته در موقیعت خاص کنونی هر حرکت انقلابی که در جهت دگرگونی و تصفیه انجام پذیرد باید کوشیده شود که خود منجر به افزایش بی نظمی و درگیریهای تازه نگردد و بدون کشمکش دانشگاهها و مدرسه های عالی اجرای ضوابط و مقررات جدید در تعطیلی تابستان آماده نمود و این کانونهای همیشه جوشان و انسان ساز را از هر گزند بدور داشت.

صف آرائی آنان با یکدیگر و از میان بردن حرمت این کانونهای علمی نیاز بود؟! چنین اعمال قدرتی آنهم در موقعیکه مردم میهن ما در مبارزه ضد استعماری خود گام و حرکت جدیدی را آغاز کرده است و از هر طرف به مردم فشار وارد میآید و بی شک هر کشمکش یکپارچگی ملی را بخطر خواهد انداخت همه میپرسند آیا سرپرستهای بعد از

دست اندر کاران حکومت پس از پیروزی انقلاب فرصت های پر ارزشی را بیهوده از دست داده اند

انقلاب گمارده شده دانشگاهها و مؤسسه های عالی مختلف کشور خود نمی توانستند کار باین سادگی را انجام دهند و تدبیری اتخاذ نمایند که به زد و خورد خونین کشیده نشود و اینهمه آشفتگی بیار نیاید؟! به راستی انجام چنین کاری با وجود پارهای دشواریها هرگز نیازی به بسیج همگانی و این نمایش عظیم و فراخواندن مردم به نیروی کشی بداخل مرکزهای آموزش عالی نبود، در حقیقت دانشجویان متعلق بهر گروه و با هر طرز تفکر در یکسال گذشته رشد واقعی خود را آشکار گردانند.

شنیده میشود که هنوز دست اندر کاران حکومت از این داستان تلخ درس عبرت نگرفته و زمزمه های یکوش میرسد و هشدار میدهد که توطئه بزرگی در شرف تکوین است که آن تعطیل دانشگاهها برای برنامه ریزی نظام آموزشی عالی جدید میباشد در این میان

که تنها بخشی از نهادها را دگرگون سازد. آگاهی سیاسی از پر ارزشترین وظایف انسانهای پژوهشگر بشمار میرود. انقلاب فرهنگی و دگرگونی نظام آموزشی عالی بگونه جزئی از آن، پی آمد ناگزیر هر تغییر اجتماعی راستین است ولی دست اندر کاران حکومت در دوران سازندگی انقلاب اسلامی ملت ایران در این زمینه سهل انگاری را بجائی رساندند که ساحت مقدس دانشگاهها، بخون جوانان میهن آغشته گردید و محل درگیری نیروهای راست گرا و چپ گرا شد. گرچه آشوبها و برخوردهای شدید دو هفته گذشته در مرکزهای آموزش عالی کشور در شهرهای گوناگون بیشتر به توطئه ای شوم شباهت داشت که صدها تن زخمی و تعدادی کشته بجای گذاشت ولی برای همه مردم این پرسش طرح شده است که آیا برای برچیدن دفترهای حزبیها و گروههای سیاسی به رویارویی با دانشجویان و

بودجه خود نیز خطرناک بودن بودجه را برای حیات اقتصادی ملی می پذیرد و بیان میدارد «چنانچه به این ترتیب در طی سالیان آینده ادامه دهیم، متأسفانه خروج از وابستگی محال و غیر ممکن خواهد بود.»

باز هم باید اضافه کرد که برداشت و نظر ایشان بطور قطع درست است و ادامه این وضع نه تنها مناسب نمی باشد، بلکه در آن خطرهای بسیار وجود دارد. ولی آنچه در ذهن مردم به صورت سؤال پدیدار میشود این است که چه کسی یا چه مقامی می باید از ادامه این وضع جلوگیری کند.

به نظر میرسد اصلی ترین مقام وارگانی که مسئولیت قطعی در این زمینه دارد، سازمان برنامه و

خود یک عامل نگرانی آور دیگر است. زیرا حدود نود درصد هزینه های جاری به مصرف پرداخت حقوق و دستمزد می رسد. به عبارت دیگر همه آنچه بابت فروش نفت به دست می آید بکارمندان و کارگران پرداخت میگردد که اینهم بسیار ناگوار است. سر نوشت سازمان برنامه و بودجه خود به ناگوار بودن این ترکیب در آمد و هزینه ها اشاره میکنند و میگویند تصدیق خواهید کرد که این بودجه یک بودجه تنظیمی ناسالم و بیسیار ناسالم است. و شاید واژه ناسالم برای بیان ماهیت بودجه کسافی نباشد. بودجه کشور در دومین سال انقلاب خطرهای بزرگ و وابستگی هر چه بیشتر آینده را نشان میدهد. سرپرست سازمان برنامه و

چشم میخورد. بخش عمده هزینه های دولت، هزینه های جاری است. مجموع رقم هزینه های جاری برابر با یک هزار و ششصد و پنجاه میلیارد ریال اعلام شده است. و این مبلغ از همه در آمد مستقیم فروش نفت بیشتر است.

به عبارت دیگر نفت از چاه خارج و فروخته میشود، و پول آن به مصرف هزینه های جاری می رسد. پیش گرفتن این رویه ناگفته پیداست که سر نوشت کشور را به کجا خواهد کشاند. باز هم انتظار عمومی این بود که در ترکیب هزینه ها تغییر اساسی و انقلابی داده شود و از خارج کردن در آمد فروش نفت برای هزینه های جاری اجتناب گردد، که با کمال تأسف چنین ترکیب هزینه های جاری نیز

فروش نفت به طور مستقیم و غیر مستقیم بی تردید بیش از هفتاد و هشت درصد بودجه کل کشور میباشد و بسا حساب غیر دقیق و تقریبی میتوان گفت که حدود نود درصد از درآمد دولت از محل فروش نفت تأمین میشود.

بی گفتگو، داشتن چنین ترکیب درآمدی بسیار ناگوار است. ناگوار بودن آن چندان روشن است که نیازی به آوردن دلیل ندارد همه کس می تواند این ناگواری را درک کند. ولی انتظار همگانی این بود که در یک سال گذشته راههایی برای برطرف شدن این ناگواری اندیشیده شود، که چنین نشده است. و در آمد دولت ایران همچنان به فروش نفت وابسته مانده است. در ستون هزینه ها ناگواری بیشتری به

بودجه ناسالم

آنست که اگر نفت فروش نرود، یا به مقدار کافی فروش نرود، نظام اقتصادی و اداری کشور، حتی یک سال هم قادر به ادامه حیات نیست. درآمد نفت در ظاهر برابر با هفتاد و هشت درصد درآمد دولت اعلام شده است ولی باید توجه داشت که با قسمت قابل ملاحظه ای از درآمد غیر نفتی دولت نیز به طور غیر مستقیم از درآمد نفت ناشی میشود. چون رقمهای کامل بودجه اعلام نگردیده است در نتیجه معلوم نمیشد که میزان درآمد گمرکی کشور چه اندازه پیش بینی شده، ولی بطور قطع بخشی از درآمد گمرکی دولت هم غیر مستقیم درآمد ناشی از نفت است. درآمد دولت از بابت مالیات حقوق و دستمزد نیز اعلام نشده است ولی این رقم درآمد نیز به مقدار قابل ملاحظه ای بطور غیر مستقیم ناشی از درآمد نفت است بر این مقیاس درآمد دولت از محل

در هفته گذشته گوشه هایی از بودجه کل کشور توسط سرپرست سازمان برنامه و بودجه اعلام شده است. متن کامل بودجه و رقمهای هزینه های گوناگون را هنوز اعلام نکرده اند ولی آنچه به آگاهی همگان رسیده است، از آینده تلخ اقتصاد کشور حکایت میکند. انتظار میرفت، بودجه کشور چنان باشد که رهایی از وابستگی و از میان رفتن بیکاری را نوید دهد. ولی آنچه اعلام شده است آشکارا از بیکاری گسترده تر و وابستگی بیشتر نشان دارد. درآمد نفت هنوز ستون فقرات و همه استخوان بندی بودجه کشور است. هفتاد و هشت درصد رقم تثبیت شده در ستون درآمدها از فروش نفت حاصل میشود. معنای دیگر این سخن

حفظ حیثیت ذاتی بشر در گرامی داشت آزادیهای فردی و اجتماعی است

نارسانائی نظام شورائی در کارهای اجرائی

باید سرعت و قاطعیت به بحران مدیریت پایان داد

هر سازمان تولیدی و یا اقتصادی، سازمانی در درون خود و مربوط به خود نیست. هر کدام از این سازمانها، واحدی در حیات اجتماعی اقتصادی کشور است. شیوه اداره هر کدام از این سازمانها و نتیجه‌های حاصل از آن به طور مستقیم و بی‌فاصله در حیات عمومی کشور اثر می‌گذارد. محصول هر کدام از این سازمانها در سازمانهای دیگر به مصرف میرسد. و مواد مورد نیاز هر کدام از این سازمانها از دیگر سازمانها فراهم می‌آید. هیچ سازمانی تنها و مستقل عمل نمی‌کند. هر سازمان در دستگاه پیچیده حیات ملی و وظیفه‌های برعهده دارد که در همگامی با اجرای وظیفه سایر سازمانها حیات ملی را می‌آفریند. درست کار کردن یا درست کار نکردن هر سازمان، مسئله داخلی آن سازمان نیست؛ بلکه یک مسئله ملی است. و از اینرو جامعه ملی حق دارد و می‌باید شیوه اداره سازمانها را زیر نظر گیرد و از سلامت آنها و درستی شیوه کار آنها اطمینان حاصل کند. جدا کردن هر سازمان از حیات ملی و محدود کردن شیوه اداری آن سازمان به نیازهای خاص آن سازمان، ضربه زدن بر حیات ملی و کاستن از توانائی‌های ملی است.

شیوه اداره وزارت بهداشتی و بهزیستی و واحدهای درمانی و بهداشتی به طور مستقیم بر چگونگی کار کارخانه‌های پارچه‌بافی اثر می‌گذارد و همچنین شیوه کار کارخانه‌های پارچه‌بافی چگونگی کار واحدهای درمانی و بهداشتی را زیر تاثیر می‌گیرد. چگونگی کارشهرداری‌ها و واحدهای آموزش و پرورش، ادارهای راهسازی و راه‌اداری، سازمانهای بازرگانی، دستگاههای انتظامی و قضائی، کارگاهها و کارخانه‌های تولیدی، موسسه‌های توزیع، گمرک‌ها، مراکزهای فروش و به طور خلاصه تمامی سازمانهای کشور در یک دیگر اثر می‌گذارد. همه سازمانهای کشور در ارتباط دائم و متقابل با یکدیگرند و این ارتباط دایم و متقابل باید چنان تنظیم و متعادل شود که یک مجموعه جامعه ملی پدید آرد.

دولتی یا خصوصی بودن هر سازمان، از اعتبار گفتگوی ما نمی‌کاهد. هر سازمان خصوصی نیز در پیکره حیات ملی سلولی است و در ارتباط پیوسته و متقابل با حیات ملی است و نمی‌توان چگونگی کار آن را مسئله‌ای مربوط به خود آن دانست. خصوصی بودن یک سازمان هرگز به معنای قطع ارتباط آن با

حیات ملی نیست. خصوصی بودن یک سازمان هیچ از تعهدهای اجتماعی و عمومی آن نمی‌کاهد. جدا شدن مالکیت از مدیریت در سازمانهای اقتصادی خصوصی نیز تائیدی بر این اصل است سلول‌های سازمانی در متن جامعه ملی تنها باید با جامعه ملی ارتباط برقرار کنند. آنچه نیاز دارند از این جامعه بشناسند و آنچه فراهم آورده‌اند به این جامعه عرضه دارند و همه آرزوها و خواسته‌ها و چگونگی کار و شیوه اداره خود را با این جامعه هماهنگ سازند. هیچ سازمانی حق ندارد و در عمل هم نمی‌تواند برای خود حسابی جدا از حساب جامعه ملی باز کند.

تمامی قاعده‌های داخلی یک سازمان از استخدام و تعیین فرد و حقوق و سایر مزایای کارکنان تا خرید مواد اولیه و فراهم آوردن تولید و عرضه داشتن فرآورده‌ها و پیش‌بینی توسعه آتی می‌باید به دقت در هماهنگی با نظام عمومی جامعه ملی صورت گیرد. و هماهنگی با جامعه ملی اقتضای آن را دارد که اداره سازمانها فقط بر اساس نیازهای جاری صورت نگیرد. و نیازهای توسعه را نیز در نظر آورند. در نظر گرفتن نیازهای توسعه و به موقع اجرا کردن آنها چنان معنای پیچیده و پرجنبه‌ای دارد که بی گفتگو اجرای آن از هر کس ساخته نیست. اجرای این وظیفه به آگاهی‌ها و تجربیه‌های خاص و همچنین به روحیه و بینش‌های خاص نیازمند است. آن مجموعه افرادی که مسئولیت اجرای این وظیفه‌ها را برعهده می‌گیرند در اصطلاح کلی و جهانی، مدیریت نام داده‌اند.

مدیریت هر سازمان وظیفه بزرگ توسعه را برعهده دارد. در همه کشورها و در سراسر جهان، کسانی که از توانائیهای لازم برای اجرای وظیفه مدیریت بهره دارند، بسیار اندک است.

و این شمار در کشورهای با اقتصاد و نظام سازمانی ضعیفتر باز هم اندک‌تر است.

ساخت اقتصادی - اجتماعی کشورهای جهان سوم چنان شده است که زمینه جوشیدن و برخاستن سرپرستان و اداره کننده‌گان و برنامه‌ریزان قابل چندان فراهم نیست. به گونه‌ای که عامل تنها و بسیار با اهمیت یکی از جلوه‌های عقب ماندگی اقتصادی - اجتماعی نداشتن مجموعه مدیریت کارآمد است. مدیریت کارآمد یامدیران کارآمد به ناگهان ولادت نمی‌یابند. هیچ زمینه و عامل و انگیزه‌ای نیست که بتواند

ناگهانی یکتفر را برای کار مدیریت آماده سازد. آن خواص ذهنی و اخلاقی و علمی که توانائی مدیریت را در انسان ایجاد میکند به تدریج و به آهستگی در جریان کار و مطالعه حاصل می‌آید. تصور اینکه یک شبه در مدت کوتاه بتوان فردی را برای مدیریت آماده کرد، تصور باطلی است. آمادگی برای مدیریت علاوه بر داشتن آگاهی‌ها به گذشتن از صافی‌های تجربی بسیار نیاز دارد.

بار کردن وظیفه مدیریت بر شانه کسانی که هیچگونه تجربه و آگاهی برای اجرای این مسئولیت کسب نکرده‌اند، به معنای ازمهم پاشیدن مدیریت و بدنبال آن واحدهای سازمانی که به نام شورا در فریاد انقلاب در بیشتر سازمانهای کشور پدید آمد و تمام یا بخشی از وظیفه‌های مدیریت را برعهده گرفت در حقیقت یک جنبش ضد مدیریت بود. این واحدها آشکارا از توانائی‌های لازم برای مدیریت بهره نداشتند. کارگران در کارخانه‌ها و کارمندان در ادارها به طور روشن هیچ تجربه‌ی مدیریت به دست نیاورده‌اند. اگر در میان آنها، به احتمال بسیار ضعیف، کسانی هستند که در زمینه مدیریت تجربه‌ای اندوخته‌اند، باید به گونه‌ای استثنائی تلقی شود ولی حکم کلی بر این است که کارگران کارخانه یا کارمندان اداره تجربه و آگاهی مدیریت حاصل نکرده‌اند و در این زمینه هیچ پرورشی نیافتاده و سپردن کار بسیار پیچیده مدیریت به کسانی که هیچگونه آمادگی برای اجرای این وظیفه ندارند در حقیقت ضربه بر خویشتن زدن و ازهم پاشیدن سازمانها است.

و در عمل هم چنین شد. بسیاری از شوراهای که در اجرای نظریات خود اصرار می‌کردند دشواری‌هایی در روند کار سازمانها پدید آورده‌اند که به آسانی درمان شدنی نیست دشواری‌هایی که از نارسائی مدیریت برمی‌خیزد ناگهان خود را نشان نمی‌دهد و ازهم پاشیدن سازمانها به لحاظ کارآمد نبودن مدیریت به یکباره صورت نمی‌گیرد این دشواریها و این پاشیدگی‌ها آرام آرام در ظرف زمان رخ می‌نمایند.

امروز در ایران گوشه‌هایی از این مصیبتها پدیدار گردیده است و اصرار بر ادامه مدیریت کسانی که آمادگی این کار را ندارند، به طور طبیعی بر این دشواریها و پاشیدگی‌ها خواهد افزود.

نخستین دشواری که پدید آمد جدا کردن سازمانها از پیکره

جامعه ملی بود. هر شورا در درون سازمان خود و برای سازمان خود اندیشه و تلاش می‌کرد. این شوراهای از اثر تصمیم‌های خود بر مجموعه حیات ملی غافل ماندند. شیوه تفکر و دید این شوراهای بیشتر در مایه‌های اقتصاد معیشتی ریشه پیدا کرد. آنان از اندیشه فردا غافل ماندند و کاشتند و خوردند و کار توسعه به هیچ گرفته شد. آمدی کارگاه به هیچ گرفته شد. توسعه توانائیهای فردی کارگران و کارمندان نیز به هیچ گرفته شد. مجموعه مدیریتی که خود از گونه‌های شیوه کار و تولید بی‌خبر است، چگونه می‌تواند انبوه کارگران و کارمندان را به آموزش و پیشرفت بکشانند. و نتیجه همین است که دیده میشود.

کار اصلی مدیریت، چرخاندن کارهای روزانه کارگاه و اداره نیست کار اصلی مدیریت رشد و پرورش دادن توانائی‌های و هم‌آهنگ کردن آنها در راه انجام وظیفه و توسعه می‌باشد در یک کلمه فراهم آوردن شرایط و عامل‌های تازه‌ای است که به افزایش کارائی هر فرد و سازمان و افزایش قدرت تولید عمومی کشور منجر شود. افزایش قدرت تولید عمومی کشور و کارائی فردی و سازمانی فقط از کسانی با خواص معین ساخته است. و چون این کسان که شوراهای را تشکیل داده‌اند در کار مدیریت بیست نبودند، پس کارائی فردی و سازمانی و قدرت تولید عمومی کشور گاستی گرفت. دیو مهیب بیکاری گسترده که اینک چهره می‌نماید یکی از اثرهای نارسائی مدیریت است. مدیریتی که توان توسعه بخشیدن به زمینه‌های کنونی کار و شناختن زمینه‌های تازه کار را ندارد، به ناچار بیکاری گسترده را بر ارمان می‌آورد. نا کارائی سازمانها، بناچار سنگین تر شدن هزینه تولید و گرانتر شدن کالاها را به دنبال دارد. یکی از عامل‌های اساسی گسترش کمربند کسالتی گوناگون بوده است. یکی دیگر از وظیفه‌های اصلی مدیریت پیش‌بینی و پیش‌گیری است. کار پیش‌بینی از پیچیده‌ترین کارهای فکری مدیران است و به آگاهی‌های بسیار نیاز دارد. شوراهائی که شتاب زده سکان مدیریت را به دست گرفتند، یکسره از قدرت پیش‌بینی بی‌بهره بودند و نتیجه اینکه اینک در همه سازمانها، دشواریهای کوچک و بزرگ فراوان پدید آورده که ناشی از پیش‌بینی

نقش تعیین کننده

سیاسی مستقل فرصتی پر بها عرضه داشته است زاین باید از فرصتهای سیاسی شایسته‌ای که انقلاب ما پدید آورده بهره‌گیری کند و توانائی خود را در اتخاذ سیاستی مستقل آزمایش نماید و به کار گیرد.

راست است که در پیکار گسترده ایران علیه امپریالیزم امریکا زاین حمایت از امریکا را با خرسندی نپذیرفت. و شرکت‌های نفتی امریکائی، سهم نفت زاین را به ناگهان و به تلخی قطع کردند و زاین را برای تأمین نفت مورد نیازش به بازار آزاد رتروام فرستادند. قطع سهمیه نفت شرکت‌های امریکائی توسط ایران و عرضه داشتن این سهمیه در بازار آزاد نفتی، به زاین فرصت داد تا نیازهای نفتی خود را از محل این سهمیه خریداری کند و گرچه وزیر بازرگانی بین‌المللی زاین، شرکت‌های بازرگانی کشور خود را در خرید سهمیه نفت قطع شده امریکا، نکوشش کرد ولی در عمل هیچ مانعی در راه خرید این سهمیه ایجاد نمود. فقط برخی از شرکت‌های زاینی خریدار نفت ایران را واداشت تا بخشی از نفت خریداری شده را دوباره در بازار آزاد رتروام به فروشند تا هم از خشم امریکا کاسته شود و هم از افزایش بسیار قیمت نفت جلوگیری گردد.

ولی در زرقای سیاست زاین این اندیشه قرار داشت که راه و رسم سیاسی خود را همچنان حراست کند و فقط از تزلزل یافتن منافع بازرگانی خود جلو گیرد. زاین می‌توانست و هنوز هم می‌تواند از این فرصت شایسته‌ای که پدید آمده بهره گیرد و تغییر اساسی در راه و رسم سیاسی خود برانگیزد.

زاین نمی‌تواند و نباید مانند کانادا و انگلستان دنباله رو سیاست امریکا باشد سیاست زاین حمایت قطعی از امریکا نبوده است. چنانکه روش زاین در کارگروگانها را سابورووا کیتا، وزیر خارجه زاین با این بیان روشن ترسیم میکند «وقتی دوستان ما با یکدیگر ستیزه می‌کنند ما به زحمت می‌افتمیم» آقای اوکیتا با این بیان آشکارا دوستی با ایران را ارج می‌نهد. زاینها آشکارا اعلام داشته‌اند که راه آمدن و معامله کردن با ایران بسیار آسانتر از امریکا است.

نکردن بوده است. شوراهای بر اساس نارسائی اخلاقی مدیریت گذشته جوشید و پدید آمد. کج روی‌ها و کج اندیشه‌های مدیریت گذشته، اعتبار اخلاقی مدیریت را خدشه‌دار کرده بود و کارگران و کارمندان آزوده از شیوه‌های غیر اخلاقی مدیریت گذشته، به ستیزه با اساس فلسفی و فکری مدیریت برخاستند. تلاش شوراهای تا آنجا که با کج رفتاریهای گذشته ستیزه میکرد درست و به جا بود ولی در آنجا که حرفه و تخصص

و نیز اعلام کرده‌اند که اگر در کار ساختمان مجتمع پتروشیمی بندر خمینی پیشرفت لازم نداشته‌اند از آن روست که حمل پنجاه هزار تن وسیله‌ها و ابزارهای ساختمانی به بندر ایران به لحاظ دشواری‌هایی است که امریکا در کار تجارت با ایران پدید آورده است.

یک مقام بلند پایه وزارت خارجه زاین گفته است «کارکنان دولت ایران در این روزها بسیار درست و جدی عمل میکنند و هیچکدام در صدد گرفتن رشوه و هدیه نیستند، درست برخلاف سابق و اگر امریکائیها به انتظار دگرگونی رژیم ایران ناستانده به سختی در اشتباهند زاین بدین سان پیوستگی خود را به سنتهای اخلاقی آسیا نشان می‌دهد و اگر تصمیمی علیه ایران بگیرد بی‌گفتگو از سر ناچار است ولی اینها کفایت نمی‌کند از زاین انتظار می‌رود که با زیرکی، در استقلال سیاست بین‌المللی خود بکوشد و به ماجراجوئی‌های امریکا آلوده نگردد.

شرایط سیاست جهانی امروز چنان است که به زاین، و هر کشور دیگری، فرصت میدهد تا پیروی از سیاست‌های امریکا را رها کند. و خود طرحی مستقل و مردمی برای سیاست خارجی خویش فراهم و اجرا نماید. گرچه نظام اقتصادی - اجتماعی زاین بر اساس حاکمیت سرمایه قرار دارد و آرمانهای انقلاب ما بر اساس طرد نظام سرمایه و آفرینش و گسترش نظام کار است ولی این تفاوت هرگز مانع آن نخواهد بود که انقلاب اسلامی ملت ایران و قدرت سیاسی ما زاین را در پیگیری راه و رسم سیاسی مستقل یاری دهد.

اینک زمان است که زاین به خود آید و همان چالاکی را که در احراز قدرت اقتصادی نشان داده، در اتخاذ سیاست مستقل نیز به کار بندد، تاریخ همواره شرایط مساعد فراهم نمی‌آورد و دولتمردان باید در بهره‌برداری از آن درنگ نکنند اینک تاریخ به دولتمردان زاین فرصتی گرانبها عرضه داشته است که باید درنگ نکنند از آن بهره‌گیرند و راه و رسم مستقل بچوبند قدرت انقلاب ما مددگار آنان خواهد بود.

مدیریت را نمی‌میرد، رنجها و ناسامانها پدیدار ساخت. از میان برداشتن مدیریت ناکارآمد و غیر اخلاقی گذشته بقیه در صفحه ۴

نظام آموزشی عالی کشور را با جدول ارزشهای انقلاب ساز و آرا کنید

چشم طمع امپریالیستها
اسلامی را در سرتاسر خلیج فارس حاکم سازد و نیرومندی هر چه بیشتر نیروی دریائی ایران تضمین کننده چنین آینده روشنی است.

یک واحد مسکونی برای هر خانوار ایرانی

حزب ملت ایران معتقد است که در ایران آینده هر خانوار ایرانی میبایست از داشتن یک واحد مسکونی مناسب برخوردار باشد مسئله مسکن پیش از انقلاب یکی از مسائل حاد روز بود و سودجویان از این گرمی بازار مسکن استفاده کرده و بدون در نظر گرفتن نیاز ملی به مسکن جریان صنعت خانهسازی را از مسیر صحیح خود منحرف کرده و بورس مسکن را تا حدی جانسین بورس زمین کرده بودند. بعلمت بالا بردن سطح تقاضا برای مسکن شهری گروهی بسازوبفروش با استفاده از کلیه امکانات و تسهیلات بانکی که حکومتهای ضدملی گذشته فراهم کرده بودند. واحدهائی بدون رعایت اصول فنی بنا کرده و با استفادهای از دویست تا پانصد درصد به خریداران میفروختند.

گروهی نیز از سازندگان با سازماندهی کافی در جریان ساختن خانههایی برای گروههای متوسط و بالای درآمدی بودند که از نظر سرمایه بازمه تکیه به اعتبارات داخلی و از نظر مخصوص فنی و حتی در بعضی موارد نیروی کار گر نیمه ماهر و ساده متکی به بازار خارجی بودند.

در حالیکه گروههای بسازوبفروش بیشتر از مصالح سنتی و داخلی استفاده میکردند، گروههای سازمان یافته که خانههایی در سطح کیفیتی بالاتر عرضه میکردند بیشتر از مصالح خارجی استفاده میکردند.

دراواخر رژیم گذشته مسئله مصالح ساختمانی بویژه سیمان یکی از تنگناهای عمده صنعت خانهسازی بود پس از انقلاب متأسفانه روستائی که برای حل مسئله مسکن مورد توجه قرار گرفت منطبق با مقتضیات اقتصادی کشور و در راه حل قطعی و نهائی این مشکل نبود.

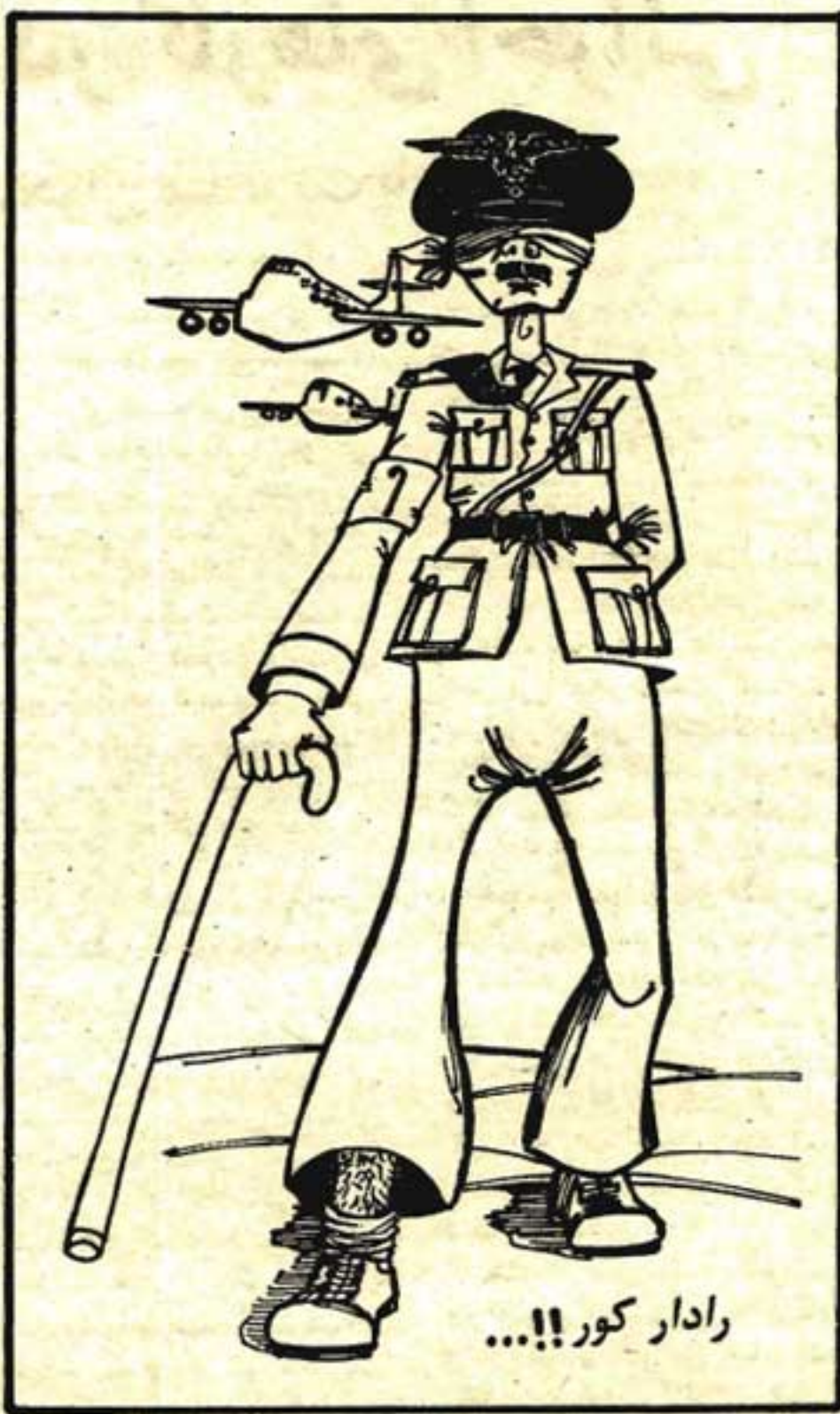
برای مثال پس از پیروزی انقلاب بعلمت توجه خاصی که به گروه کهدرآمد برای تامین مسکن میشد فعالیتهائی برای ساختن خانههای ارزان قیمت برای این گروهها آغاز شد همانگونه که در همان زمان یادآوری شد متأسفانه این تعدیلات نمیتوانست موفق باشد. دلایل عمده این عدم موفقیت این بود که: ۱- خانهسازی برای گروههای کهدرآمد میبایست با یک برنامه همه جانبه و برای همه گروههای کهدرآمد ایرانی صورت گیرد. ۲- تنگناهای مالی، فنی، مصالح ساختمانی و کارگری از ارتباط با چنین اقدام گستردهای از قبل مورد مطالعه قرار گیرد. ۳- بعلمت عظمت مشکلی که در برابرش قرار داریم شیوههای ساختمانی

تجربه شده مورد مطالعه قرار گرفته و انواع خانههایی که برای نقاط مختلف ایران مورد قبول هستند از پیش طرح شوند و تکنولوژی ساختمان موردتوجه قرار گیرد که بتوان برای تمام گروههایی که درآمد ایران در مدت کوتاهی خانه ساخت - ع- مسائل جنبی مسکن که از همه مهمتر مسئله زمین و خدمات زیربنائی میباشد قیلاً حل شود.

بطوریکه از فهرست بالا آشکار است مشکلات بسیار عظیم بوده و تصور اینکه بتوان مشکل مسکن را در مدت کوتاهی نه برای همه گروهها بلکه فقط برای گروه کم درآمد، در ایران حل کرد تنها عدم آگاهی به طرز کارکرد این صنعت را میرساند علاوه بر این گسترش صنایع ساختمانی و از جمله خانهسازی یکی از عوامل کمک کننده به مسئله تورم است که در شرایط پس از انقلاب انتظار اینکه کارخانه سازی بتواند در سطح گستردهای آغاز شود تا حدی دور از چاره اندیشیهای صحیح اقتصادی بوده است.

آنچه که در پانزده ماه گذشته شاهد آن بودیم رکود کارهای ساختمانی رکود بازار زمین، عدم موفقیت در زمینه اجرای آئین نامه مربوطه به سلب مالکیت از اراضی موات که به تصویب شورای انقلاب رسیده بود توقف کامل کارهای خانه سازی توسط شرکتهای بخش خصوصی که برای گروههای درآمدی متوسط و بالاخانه سازی میکردند و پیشرفت بسیار کند شرکتهایی که برای دولت خانههای ارزان قیمت میساختند و رونق کارخانه سازی تک واحدی یا چند واحدی آنها محدود بوده است. در دوران رکود اقتصادی که با مشخصات فعلی اقتصاد ایران باید قبول کنیم در آن قرارداری یکی از بخشهایی که با کنترل های لازم میتواند به اقتصاد، ما سرصورتی دهد بخش ساختمان و از آنجمله خانه سازی است.

و اگر به راه انداختن فعالیتهای این بخش توجه کافی مبذول شود میتوان به انجام کارهای زیر توفیق یافت: ۱- ایجاد مسکن برای همه خانوارهای ایران با اولویت دادن به ساختن خانه برای گروههای کم درآمد، ۲- ایجاد اشتغال در سطح کشور، ۳- کمک به توسعه صنایع داخلی وابسته به مسکن برای راه انداختن فعالیتهای بخش مسکن هنوز هم تأثیر نشده دولت میبایست سریعاً به انجام یک برنامه ریزی همه جانبه برای مسکن باهدف دراز مدت یک خانه برای هر خانوار ایرانی بپردازد بلافاصله هیئتی مامور برای مسئله مسکن شده و بویژه مسئله تکنولوژی ساختمان مسکن



رادار کور!!...

از تجاوز نظامی امریکا بسادگی نباید گذشت

را برای همیشه روشن کرد و خیلی زود به واکنش در خور، دست یازید.

بر غم کمبودها و دشواریهایی که ارتش در کار خود دارد، از این نهاد دفاعی کشور انتظار بیشتری میرفت و باید با همهی نیرو به آمادگی آن افزود:

حزب ما پیشنهاد می کند، بی درنگ یک کمیته تحقیق از سوی رئیس جمهور تشکیل گردد و همهی ماجرا را به دقت واریسی نماید و نقطه های ضعف و اشتباهها و شاید خیانت های را که به امریکا جسارت چنین تجاوزی را داده است، بازشناسد، تا هرچه زودتر چاره جوئی لازم بعمل آید.

این تجاوز نظامی، جدیدترین توطئه امپریالیسم امریکا میباشد ولی واپسین آن نخواهد بود و آشکارا گفته شده است در نخستین فرصت ممکن، تلاش را از سر بگیرند، پس همهی مردم و بخصوص دست اندر کاران حکومت، باید بر هشاری انقلابی خود بیفزایند و با بسیج همهی سازمانها، کشور را آمادهی دنبال کردن نبرد سرنوشت سازی که در پیش است بنمایند.

تجاوز نظامی امپریالیسم امریکا در بحبوحه تشنج های پدید آورده شده در گوشه و کنار کشور، بخوبی روشن می سازد که تا چه اندازه نیروهای انحصار طلب و اخلاک گر می توانند دستاوردهای انقلاب را بخطر اندازد.

اکنون، نگهداشت پیروزیهای افتخار آفرین در گرو گسترش همبستگی ملی است، بیایید همه با هم از فرقه گسرای های زیان بخش، دوری جسته، با وحدت عمل، ایران را پاس داریم.

یکشنبه هفتم اردیبهشت ماه دبیرخانه حزب ملت ایران

نیروهای مسلح کرد، شادی عمومی را به اندوه و بهت زدگی بدل کرد و سرانجام خشم همه جا را پوشانید.

مردم به خود می گویند در شرایطی که دشمن به مرزهای مسین حملهور شده و استعمارگران با همه ی نیرو می کوشند انقلاب ایران را با توطئه و نیرنگ به بیراهه کشند رو در روی ارتش جمهوری اسلامی ایران ایستادن چه مفهومی جز جنگ با ملت دارد؟! و آیا اینگونه رفتارها آب به آسیاب دشمن ریختن نیست؟! در حالیکه رئیس جمهور اعلام میدارد که پیشنهاد شش ماده ای حزب دموکرات کردستان با اصلاح هائی پذیرفته شده چه دستاویزی برای توجیه این از پشت خنجرزدن مانده است؟! آیا وابستگی کلام درستی نیست تا به این حزبها و سازمانهای سیاسی که بار دیگر شهرها و روستاهای کردستان را بخون کشیدند اتلاق گردد؟! با اینهمه دستور آتش بس یک جانبه به امید از سرگیری گفتگو بهترین راه حل می تواند باشد زیرا باید به سرنوشت مردم کردستان اندیشید، بسی آنکه ندانم کاری و خطاهای بزرگ و کوچک سدی در راه رفع بحران ایجاد کند.

حزبها و سازمانهای مسلح باید همچنانکه رئیس جمهور خواسته است سلاحها را به زمین بگذارند تا به پیروزی از پیام تاریخی و پر مهر امام خمینی راه رفع هر گونه ستم از هم میهنان کرد هموار گردد.

وابستگی، سد راه حل بحران کردستان

بیشمار دولت، بگونه ی عامل تعیین کننده، بحرانی در کردستان بوجود آورد و سرانجام کار را بدانجا کشید که جنگ ناخواسته در آن گوشه کشور آغاز گردید.

گفتگوهای طولانی پیرامون تنگناها و نیازها در محیطی نه چندان برخوردار از تفاهم و اطمینان بجائی نرسید و هر بار که میرفت گره با سرانگشت تدبیر گشوده شود دسیسهای تازه گاه از اینسو و گاه از آنسوخ نمود و کار بهانه جوئی بدانجا کشید که بر سر «واژهای» خواست به حق مردم کردستان و حساس بودن وضع کشور به فراموشی سپرده شد.

در تمام این مدت گماشتگان بیگانه بیکار نبودند. و هر کجا می توانستند زمینه را برای نفوذ و خرابکاری فراهم می آوردند.

وقتی یاور صریحی های دولت نژاد گرای عراق بالا گرفت و کار به قتل و غارت و سرانجام اخراج ایرانیان ساکن عراق انجامید، اعلامیه حزبها و سازمان های سیاسی کرد، که نوید همکاری با ارتش در دفاع از مرزهای ایران میداد رنگار جنگ دو برادر را از خاطر مان شست. ولی هنوز مرکب اعلامیه ها خشک نشده بود که خبر اسفبار راه بستن بر ستون های ارتشی توسط

را در سطح وسیع و در همه جای ایران مورد مطالعه قرار داده و سیستم های صنعتی و سنتی را در کنار هم و بمقتضای هر محل برای تهیه مسکن توجیه کند.

به پراکنده کاریهای سازمانهای گوناگون در کارخانه سازی پایان داده شود و تهیه مسکن بپیروی از یک برنامه دراز مدت اقدام شود برنامه پنجساله توسعه مسکن میبایست تهیه و تنظیم گردد و اعتبار لازم در بودجه عمرانی برای آن پیش بینی و اقدامات مربوطه به تامین مصالح مورد لزوم انجام گیرد.

موضع سازمان عمران زمین رسیدگی شده و امکاناتی در اختیار این سازمان گذارده شود که بتواند هر چه سریعتر زمینهای لازم را با خدمات در اختیار سازندگان قرار دهد.

نارسائی نظام شورائی

کارها- کمبود نیازمندیهای همگانی، کنشها و واکنش های عصبی، برخورد های نگرانی آور و صدها جلوه دیگر از اینگونه رخ می نماید. اگر به سرعت بر این بحران مدیریت غلبه نشود، فردا افسوسی بسیار ببار خواهد آمد، تا اندک وقتی باقی است باید با سرعت و با قاطعیت، دور از هر ملاحظه ورود ریاستی به بازسازی نظام مدیریت کشور برخاست و سازمانها را از قفس تنگ خواسته های محدود خود رها ساخت...

همه توانائیهای جامعه ملی را باید در مدیریت سازمانها به کار گرفت. و قاعده های اخلاقی را در معنای وسیع و ژرف دریافت و اجرا کرد و یافتن و پرورش استعدادها را از فراموشی بیرون کشید و با همه نیرو دنبال نمود. و شوراها با ادارک نتیجه های تلاش خود و با ادراک سرنوشت کشور باید به این خواسته ها مدد رسانند و جای خود را به مدیریت آگاه و کارآمد که در عین حال به جدول ارزشهای انقلاب اسلامی ملت ایران اعتقاد داشته باشد، بسپارند.

اقتضا داشت که مدیریت اخلاقی و کارآمد به جای آن نشانده شود. نشانیدن مدیریت ناآگاه و ناکار آمد به جای مدیریت غیر اخلاقی گذشته هیچ از دشواریها گره نگشوده و نمی توانست گشودن و گذشته از اینها، سپردن مکان سازمانها و سرنوشت کسار کتان آنها و سرنوشت جامعه ملی به دست کسانی که آمادگی و توانائی اجرای این مسئولیتها را ندارند آیا خود یک عمل غیر اخلاقی نیست؟ شوراها رفتار غیر اخلاقی مدیریت گذشته را محکوم کردند و به درستی هم این حکم را صادر کردند ولی سپس خود فصل تازه ای بر شکستن قاعده های اخلاق گشودند سپردن سرنوشت مردم به دستهای نا کار آمد یک گناه بزرگ اخلاقی است.

اینک کشور با بحران مدیریت روبرو شده است. بحران مدیریت به صورت یک موجود عجیب الخلقه در خیابانهای شهر راه نمی افتد. بحران مدیریت در بیکاری- گرانی- نابسامانی

نظم و کار، پایندان پیروزی دوران سازندگی انقلاب

جزیره‌های کوچک و بزرگ، برخی مختصر آب دارند و قابل سکونت می‌باشند و در جغرافیای تاریخی ایران شهرت یافته‌اند چون کیش و قشم و هرمز و بحرین - و برخی بی‌آب هستند و فقط بصورت تپه‌ای از نمک می‌باشند و شاید تاده‌های اخیر، هیچ انسانی در آنجا قده تنهاده باشد.

برخی از این جزیره‌ها بعلا پیدا شدن نفت و خاک سرخ و گانه‌های دیگر معروف شده‌اند و پارهای از آنها بعلا سوق الجیشی و بمرور بانصب دستگاه‌های هواشناس یا چراغهای دریائی نام یافته‌اند و عده‌ای چند فقط به شکرانه امکان اندک ماهیگیری شهرت بدست آورده‌اند. این جزیره‌ها اکنون بکشوهائی تعلق دارند که در خلیج فارس صاحب ساحل هستند چون ایران و عراق و کویت و عربستان و شیخ‌نشینان جنوبی خلیج فارس.

است که یکصدوپانزده کیلومتر طول و ده تا سی و پنج کیلومتر عرض دارد و بعلا دراز بودن گاه اعراب به آن «جزیره الطویل» نام داده‌اند.

سه جزیره تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی را که بار دیگر امپریالیستها و دست نشانده‌شان چشم طمع به آنها دوخته‌اند در رابطه با موقعیت جغرافیائی جزیره قشم بهتر میتوان شناخت.

جزیره تنب بزرگ در بیستوهفت کیلومتری انتهائی جنوب شرقی قشم قرار دارد. واژه تنب یا تمب بزبان محلی بمعنای تپه میباشد. بلندترین تپه این جزیره فقط پنجاه و سه متر از سطح دریا ارتفاع دارد.

آب چاه در آنجا تلخ است و کشاورزی بسیار ناتوان میباشد. ساکنان آن در سال ۱۳۴۲ در حدود صدتن و در سال ۱۳۴۹ در حدود سیصدتن بوده‌اند و از راه صید ماهی و مروارید امرار

«تنگه هرمز حیاتی‌ترین دروازه اقتصادی ایران و در نبرد با امپریالیسم نقطه حساس دفاع از حاکمیت ملی است»

بمنقل از متن مقاله

معاش میکردند.

جزیره تنب کوچک در دروازه کیلومتری غرب جزیره تنب بزرگ قرار دارد و بلندترین تپه آن فقط دوازده متر از سطح دریا می‌باشد و در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ از سکنه خالی بوده است.

جزیره ابوموسی این جزیره از جزایر تنب بزرگتر است و دارای چهار تا پنج کیلومتر عرض و طول می‌باشد. در داخل این جزیره کوهستان سنگی وجود دارد که بلندترین نقطه آن از سطح دریا یکصد و سه متر است که به گوهِ یا قله حلوا می‌گویند. در این جزیره مختصر کشاورزی و دامداری وجود دارد اما ساکنان آن در سال ۱۳۴۲ در حدود دویست تن و در سال ۱۳۴۹ در حدود هفتصد تن قلمداد شده‌اند، بسان ساکنان جزایر تنب از راه صید ماهی و مروارید امرار معاش میکنند در این جزیره قلیلی از مردم در معدنهای خاک سرخ (اکسید آهن) بکار اشتغال می‌ورزند. در سال ۱۳۴۹ در این جزیره یک مدرسه کوچک و یک کیلووات وجود داشته است.

در هر سه جزیره، بسان هم جزایر منطقه کارهای قاچاق نیز توسط عده‌ای از ساکنان انجام می‌یافته است.

سه جزیره تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی مثل دیگر جزیره‌های خلیج فارس بویژه در بخش شمالی آن، همه گاه متعلق به ایران بوده است.

در دوره استقرار پرتقالیها در جزیره بزرگ قشم، این سه

شمار جزیره‌های مهم متعلق به ایران از بیست و نوزده است که مشهورترین آنها پس از مجمع‌الجزایر بحرین عبارتند از هرمز و قشم و خارک و کیش و هنگام و تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی.

در این جزیره‌ها بناهای دینی تاریخی پیش از اسلام، چون آتشکده‌های ویران شده و از دوران اسلامی، مسجدهای قدیمی متعلق به قرن سوم هجری به بعد و آثار نظامی تاریخی چون دژهای نادری و قلعه‌های جنگی دوران سلطه پرتقالیها و انگلیسها دیده میشوند و این امر نشان دهنده این واقعیت است که از دیرباز خلیج فارس محل برخورد و رفت و آمدهای تاریخی بوده و بخش شرقی آن (تنگه هرمز) بابر خوردهای از اهمیت بیشتر حکم حیاتی‌ترین دروازه‌های اقتصادی کشور ایران را داشته است و این موقعیت جغرافیائی در زمان حاضر نیز بهمان قوت باقی مانده است و در نبرد با امپریالیستها می‌تواند نقطه حساس دفاع از حاکمیت ملی ایران باشد. خلیج فارس باموقعیت طبیعی شناخته شده از تنگه هرمز به دریای بزرگ عمان می‌پیوندد و از آنجا به اقیانوس هند

اتصال می‌یابد. عمق دریا از تنگه هرمز به بعد بیشتر می‌شود و گوئی تنگه حالتی شبیه به یک «سکوی دریائی» دارد.

آبهای روان در تنگه هرمز بعلا پیدایش توده‌های نمک شورتر از آبهای دیگر نقاط خلیج فارس میباشد.

بزرگترین جزیره واقع در تنگه هرمز (باب‌الهرمز)، جزیره قشم

چشم طمع امپریالیستها

در حاشیه مقاله

پس از تصرف سه جزیره خلیج فارس، مأموران دستگاه استبداد در زندان با آقای داریوش فروهر تماس گرفتند و غیرمستقیم از ایشان خواستند که بسود شاه در امر تصرف سه جزیره موضع‌گیری کنند که البته آزاد شدن از زندان را هم در برداشت.

داریوش فروهر بگونه یک انسان مقاوم و معتقد بتصمیم‌گیری جمعی و آگاه به ماجرای تصرف سه جزیره و ربط سیاسی و نظامی آن با جدائی بحرین از ایران، چنین پاسخ دادند:

«اظهار نظر کار فرد نیست، کار جمع است. بعنوان فرد هیچ نظری نمی‌توانم اظهار کنم و بعنوان حزب، این حزب است که اظهار نظر میکنند.»

اگر شرایط گرد هم آئی فراهم شود البته درباره حقوق ایران در خلیج فارس سیاست قدرتهای بزرگ در آن منطقه و نقش دستگاه حاکمه ایران اظهار نظر خواهد شد»

بمنقل از خبرنامه جبهه ملی ایران (چاپ خارج از کشور) شماره ۲۷ (خردادماه ۱۳۵۱)

و کارگزاران استعماری نیز واکنش‌هایی از خود نشان داده‌اند که اسناد آن موجود است.

دولت استعماری انگلستان خط منصفی فرضی از حد غربی خلیج فارس تا تنگه هرمز کشیده بود که جزایر تنب در بخش شمالی قرار داشت یعنی نزدیک به ساحل ایران و جزیره ابوموسی با اینکه در وسط خط شارجه و ساحل ایران واقع بود، آن هم در بخش شمالی خلیج فارس جای می‌گرفت و بسدین صورت می‌بایست در زمره جزایر ایرانی باشد اما سیاست شوم بریتانیا مصلحت استعماری خود را در این تشخیص داده بود که این سه جزیره از ایران جدا باشد و به حکومت شیخ‌های دست‌نشانده تعلق پیدا کند. عمال وابسته به استعمار بر العرب

در نقشه‌های جغرافیائی انگلیسی در سال ۱۸۸۸ میلادی، مجمع‌الجزایر بحرین رنگ برالعرب (بخش جنوبی خلیج فارس) زاده شده و جزایر تنب و ابوموسی رنگ برالعجم را (بخش شمالی خلیج فارس) بدین اعتبار تا اواخر قرن نوزدهم انگلیس‌ها سه جزیره مزبور را متعلق به ایران می‌دانستند. اما در سال ۱۹۰۳ میلادی سیاست جدید استعمار انگلستان، حق حاکمیت ملی ایران را از این جزیره‌ها سلب کرد و جزایر تنب را در قلمرو

بازرگانی را دیدم که صد و پنجاه شتر بار داشت و چهل بنده خدمتکار شبی در جزیره کیش مرا بجزیره خویش در آورد.

سعدی شیرازی
بمنقل از گلستان

توانست از جزیره ابوموسی براحثی خاک سرخ استخراج کند و به انگلیس‌ها بفروشد و جهت «دزدان دریائی» اسکله و آسایشگاه و چراغ دریائی نیز در این جزیره ایرانی برپا دارد.

راس‌الخیمه و جزیره ابوموسی را در قلمرو شارجه قرار داد میان سالهای ۱۹۳۰-۱۹۳۲ میلادی اعتراض‌هایی از طرف وزارت خارجه ایران بر ضد تسلط انگلیسها نمایان شده است

تنها دخالتی که طبق شنیده‌ها از سوی ایرانیان عملی شده، ایجاد ساختن نظامی در دوره دکتر مصدق در تنب بزرگ است که نشان‌دهنده توجه آن دولت به حقوق ملی ایرانیان میباشد.

با قدرت‌یابی امپریالیسم امریکا در خلیج فارس و ضعف مالی و سیاسی انگلستان و توسعه جنبش‌های آزادی‌بخش در منطقه، نظام استعماری در خلیج فارس از حالت مستقیم به حالت غیرمستقیم مبدل گردید و انگلستان تصمیم گرفت در سال ۱۹۷۱ میلادی قوای نظامی خود را از خلیج فارس خارج سازد.

برای جانشینی و تداوم غارتگری دوره حل وجود داشت: ایجاد قشون یکپارچه از ساکنان منطقه در سرتاسر خلیج فارس.

ایجاد قشون چندگانه و پراکنده از قومها و ملت‌های گوناگون.

راه نخست بعلاهای فرهنگی و تاریخی و سیاسی امکان نداشت و بهمین دلیل در یک استراتژی سلطه‌جویانه تقویت قشونهای وابسته محلی مورد توجه قرار گرفت.

در هجدهم فوریه ۱۹۶۸ موافقتنامه‌ای بین حاکم ابوظبی (شیخ زاید) و حاکم دومی (شیخ

محمدالله مستوفی قزوین) متوفی ۷۴۰ هجری

در کتاب نزهة القلوب

راشد) امضاء شد و در بیستوهفتم همان ماه پنج امارت دیگر کناره جنوبی خلیج فارس (شارجه - عمان - ام‌القوین - راس‌الخیمه و فجیره) نیز این موافقتنامه را امضاء کردند.

امپریالیستها انگلیس و امریکا تمایل شدید داشتند تا در این «فدراسیون» قطر و بحرین را نیز شرکت دهند. در مورد قطر اختلاف‌های خانوادگی و محلی وجود داشت و در مورد مجمع‌الجزایر بحرین که تمام شواهد و دلایل تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آنرا متعلق به ایران می‌داند، نیز در آن هنگام

اشکال‌هایی بنظر می‌رسید که به سادگی قابل رفع نبود و در نتیجه امپریالیستها نتوانستند با وجود حضور نمایندگان قطر و بحرین در کنفرانس‌های مقدماتی این دوزخ جزو دولت مورد نظر خود در آورند و ناگزیر کشور امارات متحده عربی در اکتبر سال ۱۹۶۹ تنها با شرکت هفت شیخ‌نشین کناره جنوبی خلیج فارس تشکیل گردید و هیأت رئیسه و با منتخب آنها

معلوم شد. پایتخت پس از توطئه جدایی بحرین از ایران که با یک «خیمه‌سبازی» مسخره‌ای استعماری در سال بعد انجام گرفت، امپریالیستها ناگزیر موافقت کردند تا جزیره‌های تنب و ابوموسی که کشورهای تازه بنیاد یافته در جنوب خلیج فارس ادعای آنچنانی بر آنها نداشتند و ملت ایران هم همه گاه آن جزایر را متعلق به خود میدانست سرو صدای زیاد تبلیغاتی به ایران بازگردد شاه مخلوع - که با جدائی بحرین از ایران خود را پیش از گذشته منفقور ایرانیان می‌دید با لشکر کشی در بیابانهای خالی! کوشش کرد تا خود را «ناجی» جزیره‌های از دست‌رفته معرفی کند که البته هیچگاه مرم آنرا جدی نگرفتند و دانستند که نوعی دیگر از بازیهای استعمار جدید است.

دولت دست‌نشانده عراق که داعیه زاندارم منطقه بودن را داشت با زاندارم نو چهره اختلاف سلیقه یافت و برای کسب محبوبیت در بخشهای عربی خلیج بویژه در میان مردم ظفار، چند صباحی با تعلق این سه جزیره به ایران مخالفت ورزید. ولی در کنفرانس الجزایر بدنبال مذاکرات شاه و صدام حسین به سمت قربانی کردن جنبش کردهای جدا مانده از ایران دولت عراق دست از بازیهای

برداشت و طبق قراردادهای محرمانه تعلق این جزایر را به ایران پذیرفت و دست در دست شاه هر دو در سرکوبی مردم منطقه متفق و هم‌اهنگ شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران و خارج‌شدن ایران از دسیسه‌های امپریالیستی و تبلور راستین حق حاکمیت ملی در خلیج فارس، دولت دست‌نشانده و نژادپرست یعنی عراق همگام با امپریالیسم امریکا دوباره بژاژ خوانی برخاست و از اینکه اندیشه‌های جدید انقلابی جامعه ما، سرتاسر خلیج فارس را متأثر ساخته و در عراق نیز جنبش‌هایی بوجود آورده بوحشت افتاده و بی‌هوده گمان می‌برد که با تحریکات قومی میتواند جلوی این موج عظیم را بگیرد.

مسلم است که دولت جمهوری اسلامی ایران در نخستین حرکت‌های خود خواهد توانست همه حقوق از دست‌رفته ملت ایران را استفاده کند و صلح و دوستی و منشور همکاریهای

بقیه در صفحه ۳

زمین و آب باید ملی گردد و به خانواده‌های کشاورز سپرده شود

سر نوشت انتخابات چه خواهد شد؟!

خلاف کارهای دست اندر کاران و متولفینشان بعمل آمد، حتی رئیس جمهور نیز جزو معترضین بانتخابات بود و در اثر پافشاری و اصرار او شورای انقلاب هیئتی را مرکب از هفت نفر مامور رسیدگی و تصمیم گیری در مسئله انتخابات نمود ولی همانطور که انتظار میرفت تادست انحصارطلبان در امر انتخابات کوتاه نشود تشکیل این نوع هیئتها و کمیتهها نتیجهای نخواهد داشت.

در ابتدا اعلام گردید که سه نفر از اعضا هیئت مزبور کناره گیری نموده و با هیئت هفت نفری همکاری نمیکنند طبیعی است وقتی سه نفر کناره گیری کنند و یا کناره گذاشته شوند در عمل کار هیئت دچار مشکل شده و فلج میشود و گوئی همینطور هم شده زیرا این هیئت با نمال تاسف نه تنها تاکنون نتیجه بررسی خلاف کاری و تقلبی را اعلام نکرده بلکه در حوزههاییکه رسوائی و افشاح راه دیگری جز ابطال باقی نگذاشته باز هم جز وقت کشی هیچ نوع بررسی جدی را شروع ننموده است.

دست اندر کاران وزارت کشور در ابتداء اعلام کردند که هیئت کار خود را تا یکماه دیگر خاتمه داده و پس از آن زمان انتخابات دوره دوم اعلام میشود بهرحال مسئله انتخابات بدست فراموشی سپرده شد و هیچ نوع اطلاعیهای در مورد انتخابات برای آگاهی مردم داده نشد و حتی لیست منتشر شده درباره چند حوزه انتخابیه مثل شهرهای شیروان- تربت جام- و فریدن و بسیاری شهرهای دیگر برای یکبار هم بطور رسمی اعلام نگردید و در بعضی از حوزههای انتخاباتی که نامزدهای مورد علاقه مردم انتخاب شده بودند مانند اقلید فارس و یکی دو محل دیگر، کوچکترین صحبتی از آنان و حوزه انتخابیه ایشان بنیام نیامد و چنان عمل شد بمانند آنکه موضوعی بنام انتخابات وجود خارجی نداشته است

البته حزب انحصارطلب و گروه متولفشان پس از بیرون آمدن نامزدهای آنان از بعضی صندوقها بمقدار زیادی خیالشان راحت شد و آنان شتابزدگی اول را نداشتند و برای اینکه در پستهای کنونی اهرمهای قدرت را برای مدت

بیشتری در دست داشته باشند برای شروع وانجسام دوره دوم انتخابات عجلهای از خود نشان نداده و به بهانههای مختلف پاپا میکنند و تاریخ انجام آنرا بعقب میاندازند و چیزیکه در این میان فراموش شده، ملت ایران است

دستاندر کاران حتی رهنمودهای رهبر انقلاب را هم که خیر خواهانه برای پایان دادن به نابسامانیهای کنونی واستحکام وانجسام دولت جمهوری اسلامی در این مورد فرمودهاند توجه نمی نمایند.

بالاخره پس از مدتها فراموشی ناگهان تصمیم گرفتند مسئله انتخابات را پایانی بخشند و روز دوازدهم اردیبهشت ماه را برای ابتکار در نظر گرفتند ولی پس از چند روز در نهایت شرمندگی دوباره اعلام کردند که انجام این کار بتاریخ نوزدهم اردیبهشت ماه موکول شده و شاید هم علت آن بود که برای تعیین روز دوازدهم بتقویم خود رجوع نموده بودند که متوجه شوند روز قبیل از دوازدهم روز همبستگی جهانی کارگران میباشد و نمیتوان جلوی حرکتهای تبلیغاتی را گرفت

به راستی کسانیکه قادر بوقر زدن تقویم خود نمیشاند و از تعیین یک تاریخ عادی عاجز هستند چگونه میتوانند دشواریهای بعدی کشور و ملت را پیش بینی نمایند و برای سالهای آینده برنامهریزی کنند، این اشخاص چگونه بخود اجازه میدهند مجلسی برای ما بسازند که نمایندگان آن هیچ نوع پایگاه اجتماعی نداشته و بریده و دور از مردم باشند و فقط به حضور در صحنه سیاست ایران دلخوش دارند. طبیعی است که انحصارطلبان و دست اندر کاران خطر چنین عملکردی را هنوز حس نمی کنند و تصور مینمایند که شگردهای نظام منقور گذشته را میتوانند بازهم بکار گیرند، غافل از آنکه ملت ایران خواهان حکومت مردم بر مردم بوده و جز این چیز دیگری را نمی پذیرد و وکیل تحمیلی را تحمل نخواهد کرد و مردم راه دیگری جز ابطال انتخابات نشناخته و قاطعانه میخواهند که قانون ناقص انتخابات اصلاح و انتخابات مردمی برای مجلس شورای ملی که گزینش نمایندگان آن باکتریت نسبی و بدور از هر تخلف و انحصارطلبی باشد بعمل آید.

همرزم ارجمند دکتر عباس خاقانی با اندوه بسیار درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت میگوید

دبیرخانه حزب ملت ایران

در روز ۲۸ اوت ۱۹۴۵ نخستین واحد ارتش آمریکا به سرزمین ژاپن قدم نهاد و آرزوی «آسیای بزرگ» ژاپنی برای همیشه دفن شد. حاصل جنگ برای ژاپنهایا ویرانی حیرت آوری بود.

بیشتر شهرهای ژاپن به کلی ویران شد و در توکیو که بخشی از آن سالم مساند دومیلیون و پانصد هزار خانه منهدم گردید و حدود نیمی از روستاها به تلی از خاک بدل گشت.

کمبود مواد غذایی، قحطی مرگباری آفریده و جدول ارزشهای ملی و باورهای اخلاقی و معنوی مردم یامهیچ وپوچ شده یابہ سختی آسیب دیده بود.

علاوه بر اینها کینه در همه همسایگان رها شده از سلطه ژاپن نسبت به آن موج میزد. به ویژه دو کشور کره و چین تلخترین نفرتها را به ژاپن اعلام می کردند.

از سوی دیگر ارتش پیروزمند آمریکا بر این ویرانهای که ژاپن نام داشت ضربه تحقیر و انتقام می کوفت.

قسمت عمده صنایع سنگین راپیاده و مضمحل کردند، بطور تقریبی همه کار بدستان اقتصادی واداری و سیاسی و نظامی رابازداشت نمودند.

دولتمردان کشور را دسته دسته به چوبه دار آویختند. نظام حقوقی ومدنی تاریخی ژاپن رابه مسخره گرفتند، حتی نظام خانوادگی وروابط زن وشوهر وقواعد ارث را، که پایهای قدرت مند سنتی داشت. موهوم ساختند و لگد کردند. نظام اداری کشور را به عنوان تصفیه عناصر جنگ افروز از همه مردان کارآمد تهی ساختند. و سرانجام غرامتی سنگین از این مجموعه درهم ریخته خواستار شدند. ارتش فاتح آمریکا می کوشید همه میراث تاریخی فرهنگ ژاپن را از بین براندازد و به جای آن معیارهای آمریکائی رابنشاند، اجرای نظامهای آمریکائی در سازمان اداری واقتصادی ژاپن باقی مانده قدرت تولیدی این کشور را تحلیل برد.

ژاپن یکسره پیریشان شده بود.... فقر وقحطی و بیکاری وتورم و نابسامانی نظام اداری وسرافکنندگی نظام سیاسی ومترزلزل شدن سنتهای ملی و باورهای اخلاقی وتحمیل های نیروهای اشغالگر آخرین رمقهای مردم ژاپن رامی مکید وپراکنندگی های اندیشه ای در جامعه هرامیدراز میان بر میداشت

در این هنگامه آشفته و از هم گسیخته، هیچکس جسارت آن را نداشت که آیندهی روشنی برای ژاپن پیش بینی کند.

دلیرترین اقتصاددانان جرئت آن را نداشت که ژاپن را در

سی سال بعد، سومین قدرت اقتصادی جهان بداند.

در میان انبوه، پریشانیها سرانجام ژاپن به خود آمد در گوشه و کنار در برابر معیارها و نظامهای آمریکائی مقاومت گردید، این مقاومتها به میدان سیاست ملی کشیده شد و سرانجام شیوههای آمریکائی در نظام اداری واقتصادی به بوته فراموشی افتاد و فرهنگ سرشار ژاپنی خود را نشان داد. نظام سیاسی کشور هم خوی تهاجم را یکباره به راستی فرو نهاد.

اعلام گردید که ژاپن ملتی صلحجو و آرام باقی خواهد ماند واقتصاد و اداره ژاپن بر پایههای فرهنگ ملی خود و در راه سازندگی به حرکت در آمد. و شگفتیها آفرید و در مدتی اندک نه همان که همه خرابیها را دوباره ساخت که سومین قدرت اقتصادی جهان شد. ژاپن در پیمودن راه پیشرفت از رسم و ره جهانبانخواری دوری جست. نگاهش را از آن سوی دریاها به خویشتن برگرداند. آزمندی در تاراج سر زمینهای دیگران را رها کرد. غمخوار خود شد و به خود تکیه کرد و هوسهای استعماری را فروآکند و به پای خویش و به همت خویش راه پیشرفت را پیمود. ژاپن در قاره آسیا از لحاظ موقعیت جغرافیائی همان وضع را داشت که انگلیس در اروپا و هر دو دارای سابقه استعمارگری و امپریالیستی که در پایان جنگ جهانگیر دوم یکی پیروز و دیگری شکست خورده بود ولی سی سال پیش هیچکس باور نمی داشت که امپراطوری فاتح و مغرور انگلستان در برابر قدرت اقتصادی ژاپن زبون خواهد شد. و هیچکس نمی پنداشت که فرآوردهای ژاپنی در بازارهای انگلستان کالاها ی انگلیسی را واپس زند در سی سال پیش به تصور هیچکس نمی رسید که دلار برای تثبیت موقعیت خود در جهان به حمایت ژاپن نیاز مند شود و پوند استرلینگ در پناه پول ژاپنی جستجوی قدرت کند درماندگی اقتصاد انگلستان و قدرت اقتصاد ژاپن، دیگر راز سر بستمای نیست. قصه ای است که بر هر سر بازاری هست.

این قدرت و این درماندگی هر دو از یک ریشه آب می خورد، یا که دوروی یک سکه اند.

انگلیس مغرور و فاتح در قردای جنگ دوم جهانی و در تمام سالهای بعد، به خویش کمتر و به دیگران بیشتر پرداخت. انگلیس در همه این سالها، و هنوز هم، به سرزمینهای

دیگران، به منافع دیگران و به ثروت دیگران چشم دوخته است. انگلیس هنوز هم به آن سوی دریاها نگاه می کند. و بهروزی خود را در سیامروزی دیگران می جوید.

انگلیس راه و رسم حیات ملی خود را هنوز هم بسترلاشهای استعماری نهاده است ولی ژاپن اندیشه استعمار را، ناگزیر، رها کرد و به خویشتن پرداخت. اینک نتیجه این تفاوت راه و رسم آشکار است. قدرت ژاپن و درماندگی انگلیس درروابط خارجی آنان ریشه دارد. همه کشورهای استعماری سرانجام بدین اندیشه باور خواهند آورد که بقا و رشد حیات ملی آنان در گرو چشم پوشیدن از استعمار است.

ژاپن با تکیه به خویش به آنجا رسیده است که درسیبری و آلاسکا و همچنین در فورمزوپکن سرمایه گذاری می کند. و بازار مشترک اروپا که یکی از عظیمترین واحدهای اقتصادی تاریخ بشر است از ژاپن تقاضای کمک دارد و از آن می خواهد که بر میزان خریدش از بازار مشترک بیفزاید. تراز بازرگانی ژاپن و بازار مشترک بیش از پنج میلیارد دلار مانده بستانکار ژاپن است و در میان همه کشورهای صنعتی پائین ترین نرخ تورم از آن ژاپن است که کمتر از پنج درصد می باشد ژاپن به منظور کمک به بازار مشترک بیستوپنج درصد بر میزان خریدهای خود از این بازار افزوده است ولی هنوز هم بازار مشترک قادر به برابری کردن دادوستد خود با ژاپن نیست.

ژاپن در پیمودن راه پیشرفت درخشان خود راه و رسم آمریکائی را فرو نهاد و به مبانی محکم اخلاقی آسیائی رو آورد و سنتهای خود را به کار گرفت. ژاپن در طرح ریزی سیاست بازرگانی خارجی خود و در پیگیری رشد اقتصادی خود توانست شیوه دلخواه آمریکا را رها کند ولی در زمینه روابط سیاسی بین المللی از این آزادی محروم ماند ژاپن خواصناخواه به متن سیاست بین المللی مورد نظر آمریکا کشیده شد و یک دیوار بزرگ اتحاد آتلانتیک شمالی را پدید آورده است.

سیستم نظامی آتلانتیک شمالی به دیوار استواری درپاسیفیک نیاز داشت و وظیفه برپا کردن این دیوار بر شانه ژاپن نهاده شد.

در پایان جنگ جهانی دوم نیروی دریائی ژاپن را غارت کردند و این کشور

دریائی را از قدرت دریائی محروم داشتند.

از اینرو سر نوشت سیاست خارجی ژاپن در اختیار قدرتهای بزرگ دریائی فاتح یعنی اعضای اتحاد آتلانتیک شمالی قرار گرفت.

قدرتهای دریائی فاتح جنگ جهانی دوم با طرح ریزی اتحادیه آتلانتیک شمالی واتحادیه جنوب شرقی و آسیا همه دریاهای جهان را در سیستم نظامی خود جای دادند و ژاپن جز پیروی از این سیستم چاره ای نداشت. قدرتهای بزرگ دریائی استواری ناتو را در پرتو همگامی ژاپن می شناسند. و ژاپن را از لحاظ نظامی و سیاسی ادامه اروپای غربی می دانند. طرح ریزان آمریکائی سیستم سیاسی دنیای پس از جنگ، می خواستند در برابر قدرت عظیم قاره ای- او را سیاه- یک قدرت دریائی برتر ایجاد کنند. و سرانجام این قدرت را در ساخت غول آسیا- اوروسیاتیک- متبلور کردند.

دو دیواره این قدرت عظیم، در باختر کشورهای اروپای غربی و در خاور کشور ژاپن است.

ژاپن در سیستم نظامی جهانی حاضر، از زمینه آسیائی خود جدا و به دنباله اروپای غربی تبدیل گردیده است. و خواه و ناخواه به ماجراهای سیاستهای آتلانتیک کشیده می شود. ژاپن در جنگال سیاستهای جهانی از الزامهای جغرافیائی خود خارج شده و جنبه آسیائی خود را فرو هشته است ولی از همه گوشه و کنار سیاستهای ژاپن به خوبی می توان دریافت که ژاپن از نقش فعلی خود راضی نیست و گاه و بی گاه کوشیده است خود را از مدار سیستم نظامی آتلانتیک خارج کند.

ولی ساخت جهانی قدرت چنین فرصتی را در اختیار ژاپن قرار نداد. و ژاپن ناخشنود از موضع سیاسی جهانی خود راهی را که بر او تحمیل شده بایی میلی پیموده و در انتظار فرصت شایستهای نشسته است که بتواند روش سیاسی مستقلی در پیش گیرد.

اینک انقلاب اسلامی ملت ایران این فرصت را به ژاپن عرضه میدارد. این انقلاب افقهای تازه در سیاست جهانی گشوده و بر همه کشورهای جویای راه و رسم بقیه در صفحه سوم

آدمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

دارنده امتیاز: امیر سلیمان عظیمیا
زیر نظر شورای نویسندگان
شماره حساب بانکی ۹۸۲۳ بانک صادرات شعبه فردوسی
خیابان سپند شماره ۲۶ طبقه سوم تلفن ۸۹۸۲۱۷
صندوق پستی ۱۱۵۷-۳۱۴

استوار باد همبستگی همه نیروهای انقلابی ملت ایران

نامه‌های رسیده

از بوشهر - ایرانشاد دریائی نوشتند: «در شرایطی که دولت اجازه خروج حتی یک کیلو پسته یا یک جعبه شیرینی که مسافران همراه خود بخارج میبردند را نمیدهد، روزانه ۱۰ تا ۱۲ موتورلنج حامل میوه و دیگر مواد غذایی از بوشهر به شیخ نشینها صادر میشود. مثلاً روز گذشته ۷۰ تن هندوانه و مقدار زیادی کشمش از بوشهر به کویت حمل شد. و این در شرایطی است که در بوشهر بهای هندوانه کیلویی ۸۰ ریال میباشد.»

از سوی دولت هیچگونه نظارتی بر اینکار نمیشود و صادرکنندگان، پول کالای صادراتی را در شیخ نشینها بصورت دینار دریافت میکنند و پس از تبدیل آن به ریال ایرانی، بکشور برمیگردانند.

باین ترتیب از یک سو میوه و مواد غذایی را بدون اجازه صادر میکنند و از سویی با تبدیل ارز خارجی به ریال، به اقتصاد مملکت لطمه میزنند و اجازه نمی دهند در مقابل کالای صادراتی ارز به کشور وارد شود.»

از تهران همرزم رضامحمدی پیشه‌ور می نویسد.

من رضا محمدی پیشه‌ور عضو حزب ملت ایران هستم که در انتخابات نمایندگان مجلس بررسی نهائی قانون اساسی، انتخاب رئیس جمهور و نمایندگان مجلس شورای ملی کوشش‌های گسترده‌ای برای معرفی نامزدهای حزب ملت ایران داشتم. حالاً هم در مغازام که در خیابان نظام آباد است روزنامه آرمان ملت از گان حزبم را به مردم ارائه می کند گویا کوشش‌های من به ذائقه‌ی برخی انحصار طلبان خوش نیامده زیرا چند شب پیش مغازام را به آتش کشیدند و لاید گمان کردند من که پس از ۲۸ مرداد زیر سختترین شکنجه‌ها دست از تلاش در راه اندیشه‌ام برنداشتم حالا را هم تغییر می‌دهم و به صف انحصار طلبان و قدرت جویان می‌پیوندم تقاضا میکنم نامهام را در ستون نامها نشر دهید تا همه یکبار دیگر بدانند رضا محمدی، با آنکه تامین جانی ندارد و از زندگی مادی منظمی هم برخوردار نیست و هنوز هم تهدید می‌شود، این رفتارها را برضد انقلاب اسلامی ملت ایران تشخیص داده و هرگز تسلیم ضد انقلاب به هیچ بهائی نخواهد شد.

از تهران عباس مظفری پور می نویسد

مدیر محترم روزنامه آرمان ملت

اینجانب بنام یک «مصدق» که به حقیقت و عدالت اعتقاد دارم از خواندن خبر مربوط به آقای ابوالفضل قاسمی شدیداً نگران شدم. اگر این شخص عضو ساواک بوده، پس وای بر ما که بیشتر از ۱۵ سال به او اعتقاد داشتیم و اگر عضو ساواک نبوده و حکومت فعلی بدو این ادعا را دارد پس وای به جمهوری اسلامی که در راهش خون دادیم! بدین وسیله از شما می‌خواهم برای روشن شدن حقیقت و برای دفاع از عدالت از آقای داریوش فروهر بخواهید که جوانمردی خود را یکبار دیگر هم نشان بدهند و با تحقیق بیشتر این مساله دردناک را برای مردم ایران روشن نمایند.

با احترامات فائقه
عباس مظفری پور

کارگر شریفی که موفق به خواندن نام ایشان نشدیم نوشته

برای خود کفائی کشور از نظر کشاورزی و صنعت باید نارسائی‌ها را شناخت دولت نیز پی از شناخت این نارسائی‌ها باید به تقویت کشاورزان و صنعتگران بپردازد. گویا کانون‌های کارآموزی فنی و حرفه‌ای در کارگاه‌های کوچک به فراموشی سپرده شده در حالی که سبب این کانون‌ها می‌تواند به بالا بردن سطح مهارت‌ها کمک فراوان کرد، مساله‌ی دیگری که باید بدان توجه کرد اینست که صنعتگران و استادکاران فنی از خدمات بیمه برخوردار نیستند و زندگی آنها در زمان پیری تامین نمی‌باشد. بیمه‌ی وام صنعتی و صنعتی بهترین مشوق آنهاست. دیگر اینکه دولت باید حق بیمه کارآموزان و کارگران این کارگاه‌های کوچک را بعهده بگیرد تا از تعداد بیکاران بکاهد و تولیدات داخلی را نیز بالا برد. کشاورزان هم مانند این استادکاران نیاز به بیمه شدن دارند و استفاده از وام‌های مختلف، به امید اینکه مورد توجه قرار گیرد.

بودجه ناسالم

و بودجه است. این سازمان با امکان‌ها و کارشناسان و قدرت قانونی که دارد بسا در جلوگیری از این وضع تلاش میکند.

ما می‌پذیریم و تأیید میکنیم که رفع همه این دشواریها در یک سال میسر و ممکن نیست ولی بی‌درنگ علاوه میکنیم که رفع قسمتی از این دشواریها در یک سال ممکن و میسر است. و از اینرو از سازمان برنامه و بودجه می‌پرسیم که در یک سال گذشته برای «بهرتر کردن» وضع بودجه کشور چه کاری کرده‌اند و چه راهی رفت‌اند و چه نتایجی به دست آورده‌اند. در این که آنچه از گذشته برجای مانده میراثی تلخ و دردناک است، هیچ گفتگو و تردیدی نیست و باز هم یادآور می‌گردیم که بر طرف کردن همه جلوه‌ها و اثرهای ناگوار نظام بودجه گذشته در یک سال ممکن نمی‌باشد و هیچکس هرگز چنین انتظاری نداشته و ندارد. ولی سؤال اساسی که در همه ذهن‌ها می‌جوشد آن است که ترکیب بودجه و ترکیب رقبای درآمد و هزینه، از گذشته «بهرتر شده» است یا «بدتر» سازمان برنامه و بودجه در این باره هیچ توضیحی نداده و به سکوت برگزدار کرده ولی جای آنست که سازمان برنامه و بودجه میزان پیشرفتی را که در جهت سالم سازی بودجه به دست آورده اعلام کند. از مجموع

قرینه‌ها میتوان چنین حدس زد که سازمان برنامه و بودجه، پیشرفتی در جهت سالم سازی بودجه نداشته، ولی بر این برداشت خود پافشاری نمی‌کنیم و هر توضیحی را در این زمینه با روح قبول و سازگاری خواهیم پذیرفت. بسیار بجا است که سازمان برنامه و بودجه دست آوردهای خود را در زمینه «بهرتر کردن» و «سالمتر کردن» بودجه در یک سال گذشته اعلام دارد.

بودجه عمرانی کشور بخش اندکی از هزینه‌های دولت است. و نیز چگونگی این بخش از بودجه اعلام نشده، فقط به طور کلی بسیاری از طرح‌های عمرانی در دست اجرا که میراث رژیم گذشته است «عظیم و پرخرج و اکثراً غیر مفید و در بعضی جهات مضر به مصالح ملی» اعلام شده و نیز چنین توضیح داده شده است که «دولت نمیتوانست آنها را به حال خود رها کند و ناچار مجبور شد این طرح‌ها را ادامه دهد.» گفته نشده که این طرح‌ها کدام است اگر طرحی «مضر به مصالح ملی» میباشد با قدرت و قاطعیت باید به تعطیل آن تصمیم گرفت حزب مادر این زمینه با سرپرست سازمان برنامه و بودجه موافق نیست و باور دارد که هر طرح «مضر به مصالح ملی» را می‌توان و باید در هر مرحله که باشد متوقف ساخت. انتظار می‌رود که درباره این طرح‌ها و به طور کلی درباره طرح‌های عمرانی و

چگونگی هزینه نتیجه‌های این طرح‌ها روشن‌گرهای لازم بعمل آید. ولی در زمینه طرح‌های عمرانی اشاره به مطلب اساسی ضرورت دارد.

اول بیکاری به طور قطع و یقین گروه‌های بزرگی از مردم میهن ما بی‌کارند. و باید برای آنان ایجاد اشتغال کرد. و باز بر اساس یک حساب کلی و تقریبی در سال جاری حدود ششصد هزار نفر و شاید هم بیشتر جویای کار به بازار کار وارد میشود. آیا طرح‌های عمرانی کشور، چنان ترکیب و تنظیم شده است که بتواند این شمار تازه واردان به بازار کار را جذب کند یا نه؟ و در هر حال وضع اشتغال در سال جاری در کشور چگونه خواهد بود. بر اساس قرینه‌های غیر قطعی بر اساس و نمونه‌ها و برداشتهای غیر دقیق به نظر، چنان می‌آید که در سال جاری از شمار بیکاران کاسته نخواهد شد و بلکه به شکلی چشمگیر بر آنان افزوده میشود.

آیا این برداشت غیر دقیق و غیر قطعی، درست است یا خیر؟ پیش کشیدن چنین پرسشی در اینجا بدین لحاظ است که رفع بخش قابل ملاحظه‌ای از دشواری بیکاری باید در ضمن بودجه عمرانی کشور حاصل شود. ترکیب بودجه عمرانی باید چنان باشد که زمینه‌های تازه اشتغال بیافریند. ولی متأسفانه بودجه عمرانی کشور نتوانسته این خواسته را برآورده سازد.

دوم گرانی

چگونگی هزینه‌های دولت، و چگونگی تامین درآمد برای دولت، بی‌گفتگو در سطح قیمتها اثرهای سریع و قطعی دارد. و در حال حاضر که گرانی یکی از اساسی‌ترین دشواریهای مردم

شده است آیا بودجه تنظیمی در جوهر و اساس خود چنان است که از گرانی می‌کاهد یا بر آن می‌افزاید. باز هم یادآوری میکنیم که برداشت غیر قطعی و غیر دقیق، از ترکیب بودجه چنان است که میتوان آنرا به شکلی دردناک تورمزا تلقی کرد.

آیا تهیه‌کنندگان بودجه برای رفع اثرهای ای تورمی بودجه چاره‌ای اندیشیده‌اند یا خیر؟ یا آنکه با این برداشت از بودجه موافقت ندارند که ناگزیر در انتظار توضیح بیشتر باید باقی ماند.

سوم ترکیب نیروی کار. سرپرست سازمان برنامه و بودجه اظهار داشته است که «کارکنان دولت بخش عمده نیروی فعال کشور را تشکیل میدهند، حدود چهل درصد از نیروی فعال کشور هستند» برداشت ما از گفتار سرپرست سازمان برنامه آن است که کارکنان دولت حدود چهل درصد از جمعیت فعال غیرروستائی کشور را تشکیل میدهند نه چهل درصد از نیروی فعال کشور، آیا برداشت ما از گفتار ایشان درست است یا

گرامی باد روز جهانی کارگر

یازدهم اردیبهشت برابر با اول ماه مه، روز جهانی کارگر است، در چنین روز پرارجی همه‌ی کارگران مبارز ایرانی را به دست اندیشیدن، یگانگی داشتن و با همه‌ی نیرو کار کردن و با نظم انقلابی پاسدار حقوق ملت بودن، فرا می‌خوانیم.

خیر. و دیگر اینکه بر اساس حسابهای غیر دقیق و غیر قطعی ما در یک سال گذشته به شکلی چشمگیر و دردناک بر شمار حقوق‌بگیران دولتی افزوده شده است. برداشتهای غیر قطعی و غیر دقیق، نشان میدهد که شمار حقوق‌بگیران دولتی در روزهای پیش از انقلاب هرگز چنین انبوه نبوده است و تصمیم‌های شتابزده و نسنجیده گوناگون مقام‌های دولتی. شمار حقوق‌بگیران دولتی را این چنین فاجعه‌آمیز کرده است.

اگر این برداشت درست نمی‌باشد دستور داده شود رشد و افزایش شمار حقوق‌بگیران دولتی را در دو یا سه سال گذشته اعلام دارند تا این پندار از ذهن ما و ذهن بسیاری از مردم کشور رخت بپوشند و اگر تصور ما درست می‌باشد خوبست اعلام گردد که کدام تصمیم یا تصمیم‌ها و از جانب چه مقام یا مقام‌هایی باعث شده است که شمار حقوق‌بگیران دولت چنین افزون شود. گفتنی بسیار است و باز هم در این باره گفتگو خواهد شد.

ستاره‌های وزنه‌برداری آسیا



مصطفی پاکیزه‌جم - ۳ مدال طلا

ورزشکاران ایران در دوازدهمین دوره‌ی مسابقات وزنه‌برداری آسیا که در سئول انجام گرفت یکبار دیگر افتخار آفریدند. این دومین بار است که پس از پیروزی انقلاب پرچم ایران به نام پیروزی قهرمانان عزیز ایرانی به اهتزاز در می‌آید.

تلاش ورزشکاران برای بسند آوازه داشتن نام ایران چنان موجی از شادی آفرید که گفتنی نیست.

نام یک یک این ستاره‌های درخشان بر صفحه دل‌های ما از پیر و جوان، شهری و روستائی با مهر و غرور نقش بسته است.

گل بوسه‌هایمان نثارشان و دعای خیرمان توشه‌ی زندگی سیرافرازانه آنها باد.

به استانهای کشور باید حق خود گردانی داد

خبرهای حزبی

در مجلس شکوه‌مندی که به دعوت رهبر انقلاب - امام خمینی - در سوگ آیت‌الله سید محمد باقر صدر پیشوای مبارز شیعیان عراق و خواهر اندیشمند ایشان برپا شده بود، داریوش فروهر، دبیر حزب ملت ایران به‌همراه تنی چند از بلندپایگان حزبی شرکت کرد.

تغییر روز ملاقات دبیر حزب

بطوریکه از دفتر ویژه دبیر حزب اطلاع می‌دهند، روز ملاقات هم‌رزم داریوش فروهر دبیر حزب ملت ایران بجای روز جمعه روز پنجشنبه هر هفته از ساعت ۴/۵ تا ۶/۵ بعد از ظهر در قرارگاه مرکزی حزب برقرار می‌باشد.

جلسات گفت و شنود

از دبیر خانه حزب اطلاع می‌دهند که روز پنجشنبه هر هفته از ساعت ۷ بعد از ظهر جلسات گفت و شنود در تالار اجتماعات قرارگاه مرکزی حزب برپاست، از هم‌رزمان عضو سازمان شهرستان تهران دعوت می‌شود که در این نشست شرکت جویند.

گردهم آئی حزبی

روز جمعه چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ بدعوت سازمان شهرستان تهران گردهم آئی حزبی از هم‌رزمان اعضا شوراهای این سازمان بمنظور بررسی چگونگی ایجاد تحرک بیشتر در فعالیتهای حزبی در قرارگاه مرکزی در ساعت ۹ بامداد تشکیل گردید، ابتدا دبیر حزب با پیام خود گردهم آئی را افتتاح و نشست تا ساعت ۶ بعد از ظهر ادامه داشت در این نشست هم‌رزمان با شور و علاقه در گفت و شنود شرکت جسته و ببررسی و رایزنی نشستند.

ریاست این گردهم آئی با هم‌رزم حسن یار سا بود و هم‌رزم خسرو سیف بگونگی نمایندگی سازمان مرکزی در نشست حضور داشت.

شهادت آیت‌الله صدر

بدنبال قطعی شدن شهادت آیت‌الله سید محمد باقر صدر پیشوای مبارز شیعیان عراق و خواهر گرامی ایشان، امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ملت ایران سه روز عزای و یک روز تعطیل عمومی اعلام کرد.

این سه روز در سراسر کشور آئین‌های سوگواری برپا شد و مردم بشدت نسبت به این جنایت صدام حسین و دولت نژاد گرای بعث عراق ابراز انزجار کردند.

در مجلس سوگواری باشکوهی که به دعوت رهبر انقلاب برپا شده بود رئیس جمهور و اعضای شورای انقلاب و هیأت وزیران و شمار بسیاری از مردم شرکت داشتند.

شورای نویسندگان آرمان ملت: این فاجعه را به پیشگاه امام خمینی و مردم مبارز عراق تسلیت می‌گوید.

یاد شهید مطهری گرامی باد

یکسال از تاریخ ترور ناجوانمردانه استاد شهید آیت‌الله مطهری می‌گذرد. حمله بر زندگی این استاد بزرگ در حقیقت حمله بر همه مردم رنجیده ایران بود. این ترور حمله‌های دیگری در پی داشت بگونه هجوم طرح‌ریزی شده و به امید پدید آوردن جریان فکری انحرافی در جامعه و سحاطر هموار کردن راه سازگشت استعمار و استبداد در محسین سال پیروزی انقلاب ضربای بود بر اعصاب زندگی ملی این شیوه غیر انسانی در برابر ملت‌هایی که بی‌باخته‌هاست استقلال و آزادی دو راورد بزرگ انقلاب خود را به هیچ بهانی از دست شهید حبلی رود در جامعه محکوم گردید.

گرچه فداان شخصیت‌های سیاسی و مذهبی آنها در شرایطی که کشور دوران ساردگی را می‌گذراند، دردناک و حسرت‌ناپذیر است ولی هر صریحی از ایستادگی که بر انقلاب اسلامی ملت ایران وارد شده یا نبود موجب محکمتر شدن زاده مبارزان می‌گردد.

سروان پاک این صابر اندیشمند درود باد.

از خبرهای هفته

استعفای شورای مدیریت دانشگاه تهران

شورای مدیریت دانشگاه تهران بدنبال وقایع هفته گذشته در دانشگاهها بخصوص دانشگاه تهران بطور دستجمعی استعفا داد. مدیریت موقت دانشگاه در متن استعفانامه مینویسد: متأسفانه در این چند روز حوادثی در دانشگاهها اتفاق افتاد که مسئولیت آنرا متوجه کسانی می‌داند که بدون توجه دقیق به مسایل موجود دانشگاهی فرصت سوءاستفاده به ضدانقلاب دادند تا شرایطی بوجود آید که ادامه بکار را بر هیئت غیرممکن ساخته و ناچار به کناره‌گیری است، ظاهراً شورای انقلاب و اداره‌کنندگان مملکت رأساً تصمیم گرفته و با مقامات و مسئولین دانشگاهی از جمله دانشگاه تهران کوچکترین تماس و مشورتی انجام ندادند.

مدیریت سابق دانشگاه تهران ضمن اطلاعیه مینویسد: برای حفظ انقلاب عظیم اسلامی از بیان واقعیتها خودداری کرده ولی آمادگی کامل داریم هم‌زمان که اتهامزنی‌ها از جمله آقایان سیدعلی خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی اعلام آمادگی حقیقت را با اطلاع امام و امت که بهترین قضاوت‌کنندگان هستند برسانند تا خادم از..... باز شناخته شود.

جشن «کتاب‌سوزی» در مشهد

در رابطه با اشغال دانشگاهها، اطلاعیه‌ای از سوی طاهر احمدزاده برای ریاست جمهوری رونوشت آن برای شورای انقلاب و مطبوعات ارسال گردیده و از آن شکایت شده که از ناحیه حزب جمهوری افرادی با چوب و چماق و جاقو مجهز گردیده و بدانشگاه و دانشکدهها و سایر مراکز عالی حمله مینمایند و بجان جوانان افتاده و جشن کتاب‌سوزی راه می‌اندازند. طاهر احمدزاده در نامه خود نگرانی عمیقش را نسبت به سرنوشت انقلاب ابراز می‌دارد. این نگرانی واقعاً بجای و درست است وقتیکه انحصارطلبان حزب حاکم چنین عمل مینمایند جا دارد که همه نگران باشیم، ولی از طرفی باتوجه باینکه ملت ما همیشه به انحصارطلبان پاسخ دیگری داده و پوزه آنها را بچاک سائیده است این بار نیز این انحصارطلبان از خشم ملت در امان نخواهند بود».

تصویب لایحه سومین مرحله از طرح بهبود نسبی ترافیک

شهردار تهران هفته گذشته اعلام داشت که بموجب لایحه قانون مصوب شورای انقلاب کلیه اتوبوسها و مینی‌بوسهای ادارات بانضمام تاکسیران، رانندگان و تجهیزات و تأسیسات آنها به شرکت واحد واگذار میشود.

شهردار تهران که از این اقدام بنام سومین مرحله از طرح بهبود نسبی ترافیک نام برد، اضافه کرد که با ارجاع این طرح خطوط اتوبوسرانی را توسعه داده و باتوجه به نیاز مناطق، اتوبوس در اختیار آنان قرار خواهیم داد.

ما از آقای شهردار سؤال میکنیم، در حالیکه طرحهای مرحله اول و دوم با شکست روبرو شده‌اند و در خیابانها شاهد عبور کامیون و وانت و ماشینهای شخصی از خطوط ویژه تاکسی و اتوبوس هستیم و ممنوعیت ورود اتومبیلهای تک سرنشین به محدوده تعیین شده قبلی عملاً نقض شده است، آیا فکر نمی‌کنید زمان آن باشد که فکر اساسی‌تری برای این مشکل بشود و بجای تصویب و اجرای طرحهای بهبود نسبی ترافیک، تجربه‌ی ممنوعیت عبور و مرور اتومبیلهای شخصی در ساعت‌های معین در سطح شهر بلافاصله به مرحله اجرا درآید؟

انتخابات مرحله دوم باز هم به تعویق افتاد

سرپرست وزارت کشور در هفته گذشته در گفتگویی اعلام نمود که انجام مرحله دوم انتخابات مجلس شورای ملی بمدت یک هفته به تعویق افتاد و انتخابات بجای ۱۲ اردیبهشت‌ماه در روز جمعه ۱۹ اردیبهشت‌ماه برگزار خواهد شد، اعلام این خبر بدون ذکر هیچ دلیل و علتی که بتواند توجیه‌کننده این تصمیم باشد، نشان دیگری است از اینکه گروههای انحصارطلب حاضر به از دست دادن سنگر شورای انقلاب نیستند و میخواهند تا آنجا که میتوانند موقعیت خود را با استفاده از مزایای عضویت در شورای انقلاب مستحکم کنند.

بمباران هلیکوپترهای امریکائی

بدنبال تجاوز نظامی امریکا به خاک ایران و شکست طرح نجات گروگانها صبح روز شنبه صدای جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که هلیکوپترهای باقیمانده در خاک ایران بوسیله هواپیماهای نیروی هوایی ایران بمباران شده تا امریکا بفکر استفاده مجدد از آنها نیفتد.

اگر این خبر صحت داشته باشد باید از مسئولین امر سؤال کرد که مگر این هلیکوپترها در خاک دشمن هستند که آنها را میخواهید از میان بردارید و یا از کار بیاندازید آیا بهتر نبود که بجای از بین بردن آنها - بخصوص که گفته شده است یکی از هلیکوپترهای باقی مانده در ایران حامل اسناد و مدارک طبقه بندی شده مربوط به این طرح نافرجام بوده است - نهایت استفاده از آنها میشد؟

اعتراض به احضار هنرمندان به دادگاه انقلاب

احضار تعدادی از هنرمندان خوشنام سینما و تئاتر ایران به دادستانی انقلاب از طریق روزنامه‌ها منجر به اعتراض و بدنبال آن استعفای سرپرست اداره برنامه‌ی تئاتر در هفته گذشته گردید.

در این رابطه شورای دبیران سندیکای هنرمندان و کارکنان تئاتر ضمن نامه‌ای به دادگاه انقلاب اسلامی اعلام داشت که احضار افراد از طریق رسانه‌های گروهی به دادگاههای انقلاب اسلامی و بخصوص احضار هنرمندانی که اتهامی ندارند حرمت و حیثیت و شخصیت اجتماعی آنان را خدشه‌دار میکند.

جالب آنست که دادگاه انقلاب بدنبال این اعتراضها اعلام داشت که اینگونه اشخاص صرفاً بعنوان مطلع احضار میشوند، بدون اینکه به این سؤال پاسخ دهد که چرا باید اینگونه افراد از طریق مطبوعات و آنهم بدون ذکر علت به دادگاه خوانده شوند؟!

کارنامه بنیاد مستضعفان

در روزهای آخر فروردین‌ماه، رئیس بنیاد مستضعفان پس از آنکه اعتراض مردم پیرامون چگونگی عملکرد این سازمان بالا گرفت و همه خواهان در جریان قرار گرفتن چونی و چندی دخل و خرج این سازمان که از بودجه‌ی کلان حراج و فروش اموال و در آمد شرکتها و کارخانهها و مزارع و باغهای رژیم گذشته، برخوردار است، شدند به یک گفتگوی مطبوعاتی دست زد.

البته نوع رفتار کسانی که در نهادهای به اصطلاح انقلابی کار می‌کنند تاکنون چنان بوده که در ذهن همگان تصویر تافته‌ی جدا بافته‌ای از خویشتن پدید آرند و با این توضیح پاسخگویی رئیس بنیاد مستضعفان را نوعی بزرگواری باید تلقی کرد!

در اساسنامه این بنیاد که محل تمرکز اموال منقول و غیر منقول مصادره شده‌ی خاندان پهلوی و دستیاران و وابستگان دستگاه استبداد است و میزان آن سر به جهنم می‌زند آمده که درآمد حاصله از این ثروت صرف کمک به مردم نیازمند ایران و بهبود وضع زندگی و تامین آنها گردد. چون مردم ایران اخراج کارگرانی را که در مزارع و موسسات و باغها و دامداریها و کارخانجات مصادره شده‌ی رژیم سابق کار می‌کرده و می‌کنند و به معنای واقعی کلمه نیازمندند از سوی این بنیاد مغایر شعارها و هدفهای آن می‌دانند، این روزها از خود می‌پرسند آیا تفاوتی میان بنیادهایی که زیر پوشش خیریه، در نظام گذشته ساخته شده بود. با بنیادهای کنونی وجود دارد؟!

سپاس‌نامه‌ی سرپرست سازمان تربیت بدنی ایران به آرمان ملت

سر دبیر محترم گرامی نامه آرمان ملت

با سپاس و امتنان از نویسندگان محترم آن گرامی نامه به لحاظ درج مقاله‌ای که پیرامون تصمیم ناگهانی شورای انقلاب اسلامی ایران، در باره عدم حضور ورزشکاران ایران در المپیک ۱۹۸۰ مسکو مرقوم داشته و نقطه‌نظرهای جالبی با واقع‌بینی ارائه فرموده‌اند، توفیق روزافزون جنابعالی و نویسندگان پر ارج آن نشریه گرامی را در جهت ارشاد جامعه از درگاه خداوند متعال آرزو دارم.

سرپرست سازمان تربیت بدنی ایران
حسین شاه‌حسینی

ملی کردن بازرگانی خارجی را باز پس نیاندازید